

تأثیر برجام بر جایگاه و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

دکتر رضا خلیلی *

مقدمه

با وجود اینکه حتی بسیار پیش از اعلام توافق بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵)، دیدگاه‌های مختلفی در مورد آثار و پیامدهای احتمالی آن وجود داشت، اما با اعلام رسمی توافق و اجرایی شدن برجام، واقعیت‌های جدیدی نیز آشکار شد که در بررسی موضوع باید به آن‌ها نیز توجه کرد. البته، همچنان که اغلب تحلیل‌گران از ابتدا تأکید می‌کردند، برجام به عنوان یک توافق استراتژیک، همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حتی اجتماعی را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درنوردید و آثار و تبعات خود را آشکار کرد، اما تصویری که اکنون از این توافق و پیامدهای آن پیش روی ما قرار دارد، اساساً قابل مقایسه با آنچه قبل از توافق به صورت نظری مطرح شده بود، نیست. هرچند از همان زمان بسیاری بر این باور بودند که توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ جایگاه و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را ارتقا می‌دهد و حتی مخالفین توافق در غرب و برخی کشورهای منطقه همین موضوع را دلیلی بر نادرست بودن آن می‌دانستند، اما اکنون که در شرایط پس‌برجام قرار داریم، بار دیگر می‌توان این پرسش را با اتکا به واقعیت‌های موجود نیز مورد بررسی و تأمل قرار داد که برجام چه تأثیری بر جایگاه و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری نه تنها در ایران و کشورهای طرف توافق، بلکه در بسیاری از کشورهای منطقه نیز که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در معرض آثار و پیامدهای برجام بوده‌اند، شکل گرفته که هر کدام از یک سو مبتنی بر رویکردهای نظری خاص خود و از سوی دیگر مبتنی بر

واقعیت‌های موجود است. بنابراین، برای آنکه تصویری جامع و در عین حال دقیق از آثار و پیامدهای برجام شکل گیرد، از یک سو باید مبانی نظری رویکردهای مختلف را مورد توجه قرار دهیم تا بتوانیم رویکردی که بیشترین ارتباط را با موضوع دارد انتخاب کنیم و از سوی دیگر، بایستی دلایل موافقت‌ها و مخالفت‌ها را بر اساس واقعیت‌های عملی موجود نیز بررسی کنیم. در واقع، نگارنده بر این باور است که برجام باعث تبدیل ایران به قدرت هژمون منطقه‌ای و افزایش نقش و منزلت آن در عرصه بین‌المللی شده، اما این فرض را با تفکیک میان رویکردهای نظری مختلف و تأکید بر رویکرد استراتژیک مورد بررسی و آزمون قرار می‌دهد. بدین ترتیب، در این مقاله با اتکا به اسناد و منابع موجود، ابتدا به بررسی مبانی نظری رویکردهای مختلف در ارتباط با مذاکرات منتهی به برجام پرداخته می‌شود، سپس به آثار و پیامدهای منطقه‌ای مذاکرات منتهی به برجام می‌پردازیم و در نهایت، آثار و پیامدهای بین‌المللی موضوع را بررسی می‌کنیم.

رویکرد استراتژیک؛ مبانی بررسی پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام

با مطرح شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) بدیهی بود که مذاکرات در مورد این موضوع به مهم‌ترین دستور کار سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود و دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی درباره آن توسط محققین ایرانی در داخل و خارج از کشور شکل گیرد (ر.ک: هادیان، ۱۳۸۹؛ دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۳؛ Moshirzadeh, 2007; Kamrava, 2007; Lotfian, 2008; Chubin, 2008; Entesar, 2009) و چون از همان ابتدا حداقل سه کشور اروپایی به صورت مستقیم و آمریکا و برخی کشورهای منطقه به صورت غیرمستقیم با موضوع مرتبط بودند، طبعاً باید محافل سیاسی، علمی و رسانه‌ای آن‌ها نیز درگیر موضوع می‌شدند و دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در ارتباط با ابعاد مختلف موضوع در این کشورها هم شکل می‌گرفت (ر.ک: Takeyh, 2003; Berzenzinski and Gates, 2004; Perkovich and Manzanero, 2005; Hagerty, 2009; Weiss, 2009)، اما نه تنها مذاکرات فقط به این کشورها محدود نماند، بلکه دیدگاه‌ها و نظریات هم به محافل سیاسی، علمی و حتی رسانه‌ای آن‌ها محدود نشد. در واقع، با بحرانی شدن موضوع و به ویژه تبدیل آن به دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)، طیف بسیار گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در اغلب کشورهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با ابعاد مختلف موضوع بودند، به دستور کار مطالعاتی تبدیل شد و دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در ارتباط با آن شکل گرفت (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۴؛ Khalili, 2011: 193-230).

در نتیجه شکل‌گیری این فضای بین‌ذهنی در خارج از ایران، در داخل کشور نیز از یک سو به دلیل شکل‌گیری فضای رقابت سیاسی برای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و از سوی دیگر، به دلیل آشکار شدن پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست هسته‌ای دولت وقت، حساسیت جامعه نسبت به

موضوع هسته‌ای به حدی افزایش یافت که صحنه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به عرصه رقابت میان دو سیاست هسته‌ای متفاوت تبدیل شد (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۲). در این رویارویی، در نهایت مردم ایران به عنوان بازیگر تعیین کننده، رأی به پایان گفتمان هسته‌ای دولت وقت و آغاز گفتمانی دیگر بر مبنای تعامل و گفتگو برای حل یک بحران غیرضروری دادند که در عین ایجاد امیدواری برای حل و فصل موضوع، ضرورت اتخاذ رویکردی جدید از جانب طرف مقابل را نیز ایجاب نمود (ر.ک: موسویان، ۱۳۹۲؛ سامور، ۱۳۹۲؛ نیکولو، ۱۳۹۲؛ مجد و معصومی، ۱۳۹۲؛ لوئرز و دیگران، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، با روی کار آمدن دولت یازدهم، دور جدیدی از مذاکرات شکل گرفت که در نتیجه آن، امروزه نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا بحث‌ها و مناظرات علمی، سیاسی و رسانه‌ای گسترده‌ای در مورد مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام به عنوان تجربه منحصر به فرد بین‌المللی و همچنین آثار و پیامدهای آن شکل گرفته است.

البته، این توجه گسترده به مذاکرات هسته‌ای و پیامدهای آن به معنای این نیست که همه از منظر و بر اساس رویکرد واحدی به موضوع می‌نگرند، بلکه رویکردهای مختلفی به موضوع وجود دارد که به باور نگارنده هیچ یک به اندازه رویکرد استراتژیک نمی‌توانند ابعاد مختلف پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام را منعکس کنند. در واقع، رویکردهای فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی به عنوان دیگر رویکردهای موجود عمده‌تر جزء نگر، تقلیل‌گرا، تک‌بعدی و بدون توجه به منافع بازیگران متعدد و چهره‌های فرصت و تهدید هستند، در حالی که رویکرد استراتژیک رویکردی کلان‌نگر، جامع‌نگر و چندبعدی است که منافع بازیگران متعدد را در قالب معادله استراتژیک و مبتنی بر چهره‌های فرصت و تهدید می‌نگرد. برای آنکه درکی درست و دقیق از این رویکردها و تفاوت هر کدام با رویکرد استراتژیک داشته باشیم، در ادامه ابتدا به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازیم و سپس رویکرد استراتژیک به عنوان مبنای نظری این مقاله را با تفصیل بیشتر تبیین خواهیم کرد:

۱. رویکرد فنی

رویکرد فنی را می‌توان مقدم‌ترین نگرش و در عین حال دارای بیشترین فاصله با آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع دانست. طرفداران این رویکرد از همان ابتدای طرح موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای کشور بر این باور بوده‌اند که ماهیت برنامه هسته‌ای ایران فنی و تکنولوژیک است و به همین دلیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها مرجع ذیصلاح برای نظارت و اظهار نظر در مورد آن می‌باشد (جلیلی، ۱۳۹۱؛ غریب‌آبادی، ۱۳۸۷ الف؛ اسدالهی، ۱۳۹۱)، اما چون جامعه بین‌المللی هیچ‌گاه حاضر نشد چنین استدلالی را بپذیرد، بنابراین طرفداران این رویکرد در ایران در نهایت به این نتیجه رسیدند که پیشرفت فنی را حداقل برای به دست

آوردن امتیازات بیشتر بر سر میز مذاکره مورد تأکید قرار دهند (ر.ک: کیهان، ۱۳۹۳؛ ایران هسته‌ای، ۱۳۹۴). در واقع، تأکید بر پیشرفت یا عدم پیشرفت فنی مهم‌ترین دغدغه طرفداران این رویکرد نظری بوده و مشکل اصلی کسانی که حتی در تحلیل برجام نیز چنین رویکردی را ادامه داده‌اند همین است که اصولاً به موضوعی فراتر از پیشرفت یا پسررفت فنی نمی‌اندیشند (ر.ک: جلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴) و بنابراین، سخن‌گفتن در چارچوب مفروضات آن اساساً ارتباط معناداری با آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع نمی‌یابد. حداکثر برد این رویکرد آن است که بر مواردی چون درصد غنی‌سازی یا تعداد سانتریفیوژها تمرکز کند و اندیشیدن به آثار و پیامدهای برجام اساساً از حوزه اندیشه طرفداران این رویکرد خارج است. به عبارت دیگر، کسانی که چه در ایران و چه در خارج از ایران می‌خواهند از زاویه مسائل فنی به موضوع بنگرند، منطقاً نمی‌توانند تصویر روشن و دقیقی از آثار و پیامدهای برجام، به ویژه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه کنند.

۲. رویکرد حقوقی

طرفداران این رویکرد بر اساس توازن میان حق و تکلیف در چارچوب مقررات بین‌المللی معتقد بوده‌اند ایران به عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به همان میزان که تکالیف خود در مورد پذیرش نظارت بر فعالیت‌هایش را انجام می‌دهد، باید از کمک‌های بین‌المللی برای پیشبرد اهداف صلح‌آمیز نیز برخوردار شود (ر.ک: مدنیان، ۱۳۹۰؛ Rahmati, 2013) و اساساً تیم مذاکره‌کننده قبلی ایران مذاکره را با هدف ایجاد توازن میان این حقوق و تکالیف دنبال می‌کرد (جلیلی، ۱۳۹۴ ب؛ باقری، ۱۳۹۲) و حتی در اظهار نظر در مورد آثار و پیامدهای برجام نیز عمدتاً در همین چارچوب رفتار کرده است (جلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ کیهان، ۱۳۹۴). این در حالی است که طرفداران این رویکرد در خارج معتقدند ایران با پنهان‌کاری و عدم پذیرش نظارت بین‌المللی در مورد بخشی از برنامه هسته‌ای خود بسیاری از مقررات بین‌المللی را نقض کرده و به همین دلیل نه تنها از حق مشروعی برای حمایت از برنامه هسته‌ای خود برخوردار نیست، بلکه باید موضوع آن در دستور کار بازرسی و نظارت دوره‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد (ASIL, 2006; Joyner, 2010; Persbo, 2012; Bali, 2014). طرفداران این رویکرد در ادامه استدلال‌های خود در مورد برجام نیز بیش از آنکه به آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع بیندیشند، بیشتر دل‌مشغول برخی تعابیر حقوقی مانند تعلیق، توقف یا حداکثر اعتبار و ضمانت اجرای برجام و میزان پایبندی طرف مقابل به بند مفاد آن شده‌اند و به ویژه پس از اجرایی شدن برجام با برجسته‌کردن نمونه‌های بدعهدی آمریکا در برداشتن تحریم‌ها می‌کوشند مخالفت خود با برجام را جامعه‌ای حقوقی بیوشانند (ر.ک: زاکانی، ۱۳۹۵؛ بیگدلی، ۱۳۹۵).

۳. رویکرد سیاسی

بسیاری از افرادی که ماهیت برنامه و روند مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی و همچنین آثار و پیامدهای برجام را مورد توجه قرار داده‌اند، با نقد و حتی نفی رویکردهای فنی و حقوقی به عنوان رویکردهایی تقلیل‌گرایانه بر این باور بوده‌اند که موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوند با ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی خاص و طرفدار تغییر وضع موجود باید در چارچوب سیاسی مورد بررسی قرار گیرد (Powers, 2008; Guldinann, 2007; Brzezinski and Gates, 2004). از زاویه نگاه طرفداران این رویکرد در غرب و برخی کشورهای منطقه، برنامه هسته‌ای ایران مستمسکی قابل توجه برای اعمال فشار و تحریم و ابزاری برای مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آن بود (ر.ک: Russell, 2005; Pollack, 2007) و چون مذاکرات هسته‌ای و برجام باعث برداشته شدن فشار و تحریم از ایران و آزاد شدن پتانسیل آن برای بازیگری بیشتر و مؤثرتر در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود، نتیجه آن چیزی جز بی‌ثباتی بیشتر در منطقه نخواهد بود. البته، این فقط طرفداران رویکرد سیاسی در خارج نیستند که از آثار و پیامدهای برجام ناراضی‌اند، بلکه متأسفانه حتی در داخل کشور نیز طرفداران همین رویکرد به گونه‌ای دیگر نارضایتی خود را ابراز می‌کنند. این‌ها که اغلب مدافعان روش تیم مذاکره‌کننده قبلی برای پیشبرد برنامه و مذاکرات هسته‌ای می‌باشند، معتقدند کشورهای غربی و به ویژه آمریکا با این مذاکرات به دنبال کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و به تعبیر برخی حتی نفوذ در داخل و فروپاشی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هستند (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۴؛ مشرق، ۱۳۹۴؛ پژوهشکده مطالعات آمریکا، ۱۳۹۴؛ عباسی، ۱۳۹۴). بنابراین، طرفداران این رویکرد هم در عین حال که به آثار و تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی مذاکرات هسته‌ای و برجام توجه می‌کنند، اما عمدتاً به بعد سلبی موضوع توجه دارند.

۴. رویکرد امنیتی

با وجود اینکه رویکرد سیاسی به دلیل غلبه بعد سلبی آن نسبت به برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران آثار و تبعات زیان‌باری برای کشور داشت و پیوند اهداف سیاسی با این برنامه باعث به بن‌بست رسیدن مذاکرات هسته‌ای شد، اما برخی افراد و گروه‌های افراطی در داخل و خارج از ایران حتی به این حد هم بسنده نکرده و فراتر از این با امنیتی کردن موضوع کوشیده‌اند از یک سو ایران را در مسیری بدون بازگشت و از سوی دیگر آمریکا را در مسیر رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی قرار دهند (ر.ک: Bahgat, 2006; Sheffer, 2004; FAC, 2008). البته، این رویکرد نیز مانند و حتی در ادامه رویکرد سیاسی ابتدا در خارج از کشور شکل گرفت و طرفداران آن کوشیدند با برجسته کردن خطر هسته‌ای شدن ایران، توجه دولت آمریکا را به آن به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معطوف کنند (Takyeh, 2004-05; Whitaker, 2006; Jafarzadeh, 2007). بر همین اساس بود که افراد و گروه‌هایی در داخل دولت وقت آمریکا با تلاش برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان

ملل بستر را برای چنین فرایندی فراهم (Symonds, 2007; Bidwai, 2007) و متأسفانه در داخل نیز عده‌ای با سهل‌انگاری و عدم آگاهی نسبت به آثار و پیامدهای موضوع، ادامه مسیر را برای آن‌ها تسهیل کردند. تفاوت این رویکرد با رویکرد سیاسی در آن است که آن‌ها فقط می‌خواستند با این کار به تعبیر خودشان ایران را مهار کنند و جلوی گسترش نفوذ ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را بگیرند، اما این طیف فراتر از آن به دنبال فراهم کردن زمینه برای رویارویی نظامی و حتی نابودی جمهوری اسلامی بوده‌اند و متأسفانه حتی در این زمینه نیز برخی خواسته یا ناخواسته در داخل زمینه را برای ادامه چنین سیاستی فراهم کرده‌اند.

طرفداران این رویکرد در غرب و برخی کشورهای منطقه در خلال و پس از انعقاد توافق وین همان‌هایی هستند که برجام را «اشتباهی تاریخی» توصیف کردند (ر.ک: نتانیاهو، ۱۳۹۴؛ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴؛ دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴) و معتقدند ۵+۱ با این توافق مسیری که در آینده نه چندان دور می‌توانست به نابودی و فروپاشی جمهوری اسلامی ختم شود را تغییر داده و فراتر از این حتی با این توافق و برای تضمین بقای آن ناخواسته امنیت جمهوری اسلامی ایران را تضمین کرده است. گرچه این نوع نگاه اساساً نمی‌تواند مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام مشروع و دموکراتیک باشد، اما متأسفانه برخی طرفداران این رویکرد در داخل نیز برجام را به عنوان نتیجه تلاش مجموعه نظام و با حمایت و هدایت مقام معظم رهبری، هموارکننده مسیر فروپاشی جمهوری اسلامی یا مانعی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تلقی کرده‌اند. برخی از این افراد و گروه‌ها گاه به حدی در سیاه‌نمایی در مورد برجام افراط کرده‌اند که از مقایسه جمهوری اسلامی با دولت نامشروع و غیردموکراتیک صدام حسین در عراق و ارزیابی دچارشدن به سرنوشت مشابه نیز ابا نکرده‌اند (ر.ک: فرهنگ نیوز، ۱۳۹۴) و دسته دوم نیز با تمجید از الگوهای نظامی هسته‌ای از جمله کره شمالی و به رغم فتوای صریح مقام معظم رهبری در ممنوعیت ساخت و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) به صورت آشکار و بی‌پرده به دلیل اینکه برجام مانع رسیدن به چنین هدفی شده با آن به مخالفت برخاسته‌اند. در واقع، طرفداران این رویکرد نیز هم در داخل و هم در خارج بر تبعات منفی موضوع تأکید داشته‌اند، در حالی که قرارداد استدلالاتی در آن‌ها در مقابل هم به خوبی مشخص می‌کند که تا چه حد بدبینانه و اغراق‌آمیز در مورد مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن می‌اندیشند.

۵. رویکرد استراتژیک

در کنار رویکردهای مذکور، نگرش دیگری نیز هم در ایران و هم در طرف مقابل وجود داشته که در ایران بر ماهیت استراتژیک برنامه هسته‌ای در چانه‌زنی با غرب و آمریکا و در طرف مقابل بر جایگاه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید نموده و برنامه هسته‌ای ایران را از این منظر مورد توجه قرار داده، اما این رویکرد تا قبل از روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران بسیار منزوی و حاشیه‌ای بود.

برخی از طرفداران این رویکرد بر این باور بوده‌اند که جمهوری اسلامی بازیگری بزرگ و غیرقابل چشم‌پوشی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است و در صورتی که غرب حاضر باشد با آن کار کند می‌تواند نقشی بی‌بدیل برای حل بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی ایفا کند و آنچه می‌تواند این نقش را به ایران بدهد، چیزی جز حل و فصل مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای آن نیست (ر.ک: Barzegar, 2010; Ben-Meir, 2009). برخی دیگر نیز در عین پذیرش جایگاه و نقش ایران معتقد بوده‌اند جمهوری اسلامی ایران اساساً نمی‌تواند با غرب و به ویژه آمریکا کنار بیاید و بنابراین موضوع هسته‌ای بهترین مستمسک برای اعمال فشار بر ایران است که می‌تواند مانع گسترش نفوذ ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شود (ر.ک: سیک، ۱۳۹۵؛ Sokolski, 2005; Tarock, 2006; Ochmanek, 2007). این دیدگاه نه تنها در بین کارشناسان و صاحب‌نظران، بلکه در بین سیاستمداران کشورهای دشمن و رقیب ایران از جمله اسرائیل و عربستان و لابی‌های طرفدار آن‌ها در داخل آمریکا نیز طرفداران بسیاری داشته است.

در نقطه مقابل، رویکرد استراتژیک در ایران نیز طرفدارانی با استدلال‌های مختلف داشته است. برخی بر این باور بوده‌اند که رویارویی ایران و آمریکا هویتی است و بنابراین از برنامه هسته‌ای باید به عنوان موضوع ملی و غرورآفرین و نماد اراده و قدرت ملی (ر.ک: غریب‌آبادی، ۱۳۸۷ ب؛ دلاورپور اقدام، ۱۳۸۷؛ محمدی، ۱۳۹۴) برای درگیرکردن و تحلیل‌توان طرف مقابل و منحرف‌کردن توجهات از حوزه‌های دیگر استفاده کرد و برخی دیگر ضمن باور به برخی از این اصول معتقدند موضوع هسته‌ای بهترین موردی است که می‌تواند به موضوع چانه‌زنی بین ایران و قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا تبدیل شود (ر.ک: قهرمانپور، ۱۳۸۷؛ بروجردی، ۱۳۹۱؛ صالحی امیری، ۱۳۹۴) و هم‌زمان، آزمونی برای صداقت طرف مقابل هم هست. آنچه طرفداران این رویکرد را در داخل کشور تقویت کرد و به صحنه بازیگری آورد، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بود. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که از یک سو طرفداران رویکرد استراتژیک با نگرش خوش‌بینانه در آمریکا تمایل آشکار و پنهانی خود را برای همکاری و تعامل با ایران ابراز کرده بودند و از سوی دیگر، آثار منفی تحریم و فشار بر اقتصاد و جامعه ایران نیز عیان شده بود. بنابراین، وقتی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم طرفداران دو رویکرد استراتژیک مذکور در داخل به رقابت با یکدیگر پرداختند، در نهایت قرعه به نام نگرش اخیر افتاد و بدین ترتیب، امکان رویارویی استراتژیک عملاً به همکاری و تعامل استراتژیک تبدیل شد.

بدین ترتیب، در دولت یازدهم از یک سو دو طرف داخلی و خارجی رویکرد استراتژیک خوش‌بین به تعامل و همکاری با یکدیگر پرداختند و از سوی دیگر دو رویکرد استراتژیک بدبین نیز در مقابل آن‌ها صف‌آرایی کردند. در واقع، مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام را از یک سو می‌توان نتیجه تعامل دو رویکرد استراتژیک خوش‌بین و تلاش‌ها برای جلوگیری از آن و همچنین مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها پس از اجرای برجام را نتیجه هم‌افق شدن دو رویکرد استراتژیک بدبین و همچنین برخی طرفداران رویکردهای پیشین از سوی دیگر تلقی کرد.

البته، دلایل و استناداتی که طرفداران هر یک از این رویکردها دارند در جای خود بسیار قابل تأمل است، اما به نظر می‌رسد ماهیت برنامه هسته‌ای ایران و برجام به گونه‌ای است که رویکرد استراتژیک بسیار واقع‌بینانه‌تر می‌تواند آثار و پیامدهای آن را آشکار کند. در واقع، برجام به عنوان نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی نه صرفاً موضوع فنی یا حقوقی و نه حتی موضوعی صرفاً سیاسی یا امنیتی، بلکه استراتژیک یا به تعبیر دیگر چنان کلان و جامع است که می‌تواند همه ابعاد موضوع را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر، برجام دارای آثاری پیچیده و چندوجهی است که رابطه بین بازیگران متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی را دگرگون کرده و به همان میزان که فرصت‌ساز است، می‌تواند تهدیدآفرین نیز باشد. بنابراین، باید در عین توجه به همه ابعاد فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی، به ماهیت استراتژیک آن بیش از همه توجه کرد و منافع بازیگران متعدد درگیر در آن را در چارچوب یک معادله استراتژیک مورد توجه قرار داد (ر.ک: سجادی‌پور، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۷؛ خلیلی، ۱۳۹۴ الف: ۷-۶). با این اوصاف، در ادامه ابتدا تأثیر مذاکرات منتهی به برجام را بر اساس این رویکرد بر جایگاه منطقه‌ای ایران و سپس این تأثیر را بر منزلت بین‌المللی آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تأثیر برجام بر جایگاه منطقه‌ای ایران

با اتکا به استدلال‌های موافق و مخالف در بین طرفداران رویکرد استراتژیک به خوبی قابل درک است که حتی در سطح نظری نیز نه تنها برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱، بلکه برجام به عنوان نتیجه و برآیند آن‌ها دارای آثار و پیامدهای قابل توجهی بر جایگاه منطقه‌ای ایران بوده است، اما این آثار و پیامدها در سطح نظری و عملی از یک سو و قبل و پس از مذاکرات منتهی به برجام از سوی دیگر یکسان نبوده‌اند. البته، با وجود اینکه به لحاظ نظری برجام را باید در ادامه برنامه و روند مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ از ابتدا تا کنون و در پیوند با ماهیت نظام جمهوری اسلامی و نه دولت‌های مختلف درک و تحلیل کرد، ولی از یک سو تفاوت میان سیاست هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم با دولت یازدهم به حدی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و از سوی دیگر، واقعیت‌های عینی دوران پس‌ابرجام را نیز همانند ایده‌ها و باورهای دوران پیش‌ابرجام نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. با توجه به این نکات به نظر می‌رسد مذاکرات منتهی به برجام در دولت یازدهم در حوزه‌های زیر بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است:

۱. افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیکی منطقه

مهم‌ترین تأثیر برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ تا قبل از دولت یازدهم را در انزوای تدریجی ایران در معادلات منطقه‌ای می‌توان دید. سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) که مشخص شد ایران به دنبال توسعه زیرساخت‌های هسته‌ای خود است، بسیاری از کشورهای منطقه مناسبات عادی با ایران داشتند و حتی در سایه این

مناسبات، با وجود نگرانی‌ها و تردیدهایی که گاهی اظهار می‌شد، واکنش‌های تند و رادیکال نسبت به جمهوری اسلامی و برنامه هسته‌ای آن وجود نداشت (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶؛ ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴). در واقع، ایران در آن زمان نیز در نظم ژئوپلیتیکی منطقه نقش رسمی نداشت، اما به صورت غیررسمی از معادلات منطقه کنار گذاشته نمی‌شد و مراودات تجاری، سیاسی و حتی امنیتی ایران با بسیاری از کشورهای منطقه به صورت عادی برقرار بود. در حالی که وقتی به تدریج ابعاد فنی برنامه هسته‌ای گسترش یافت و مذاکرات با ۵+۱ هم نتوانست مانع پیشرفت این برنامه شود، نگرانی کشورهای منطقه آشکارتر و جدی‌تر شد. البته، در این میان نقش آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی را نیز نباید در تحریک کشورهای منطقه در رویارویی و تقابل با ایران نادیده گرفت. آن‌ها حتی در دوران مذاکرات منتهی به برجام نیز به سیاست‌های خود ادامه دادند، اما با وجود همه این بحران‌سازی‌ها و رفتارهای دوگانه، برجام به نتیجه رسید و پس از آن بود که برای اولین بار، جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی در مذاکرات ژنو در مورد سوریه شرکت کرد. در واقع، برجام باعث تقویت جایگاه ایران در نظم در حال تغییر منطقه‌ای شد و برای نخستین بار نه تنها در دوران مذاکرات هسته‌ای، بلکه حتی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی در مذاکراتی که مربوط به تعیین نظم جدید امنیتی در منطقه است، مشارکت یافت. البته، چنین نقش و جایگاهی فقط نتیجه برجام نیست و نقش عوامل دیگر از جمله توانمندی‌های نظامی - دفاعی و همکاری و ائتلاف با روسیه در تحولات سوریه را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد که آن‌ها نیز به هر حال متأثر از برجام بوده‌اند (ر.ک: کیسینجر و شولتز، ۱۳۹۵؛ برزگر، ۱۳۹۴ الف).

۲. تغییر منطق موازنه به نفع ایران

اگر سیاست‌های تحریک‌آمیز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر علیه ایران نبود، حتی با وجود پیشرفت‌های هسته‌ای و به نتیجه نرسیدن مذاکرات نیز تا مادامی که این موضوع تبدیل به معمای امنیتی در منطقه نشده بود، از دیدگاه بسیاری از کشورهای همسایه چندان نگران‌کننده تلقی نمی‌شد، اما از یک سو به سبب آن تحریک‌ها و از سوی دیگر به دلیل مشکلات عدیده‌ای که متأسفانه به صورت تاریخی بین ایران و برخی کشورهای همسایه وجود داشته، روند پیشرفت فنی برنامه هسته‌ای و احساس ناامنی برخی کشورهای منطقه به موازات هم‌دیگر پیش رفت. در نتیجه این شرایط، موازنه تهدید یا به عبارت دیگر تهدید در مقابل تهدید به منطق روابط میان ایران و برخی بازیگران منطقه تبدیل شد (Russell, 2005; Sokolski, 2005; Takeyh, 2006). با حاکم‌شدن چنین منطقی در مقابل تهدید ساختگی هسته‌ای شدن ایران، تهدیدهای متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی هویتی شکل گرفت که نتیجه آن ناامنی فزاینده نه تنها برای ایران، بلکه برای کل کشورهای منطقه بود. در چنین شرایطی، مذاکرات منتهی به برجام موازنه تهدید پیشین را به موازنه قدرت یا حداقل قدرت - تهدید به نفع ایران تبدیل کرد. در واقع، اگر تا پیش از آن هر حرکت مثبتی، حتی پیشرفت فنی در برنامه هسته‌ای در عمل معنایی

جز تهدید بیشتر برای بسیاری از کشورهای منطقه نداشت و تحت تأثیر فضای سیاسی و رسانه‌ای موجود عملاً به ضرر ایران و همگرایی منطقه‌ای تبدیل می‌شد، در گفتمان و فضای جدید، حتی پذیرش غنی‌سازی اورانیوم، داشتن راکتور آب سنگین و داشتن نیروگاه هسته‌ای دیگر نه تنها معنای سابق را ندارد، بلکه حتی از جانب افکار عمومی بسیاری از کشورهای منطقه حق قانونی و منطقی ایران و در راستای ایجاد ثبات بیشتر در منطقه تلقی می‌شود (ر.ک: Statista, 2016; ACRPS, 2015).

۳. غیرامنیتی شدن فضا

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در ایران بیش از آنکه عرصه رقابت دو جناح سیاسی باشد، عرصه رویارویی دو راه حل مختلف برای پایان‌دادن به مناقشه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود که در نهایت با برتری آقای روحانی به نفع اعتدال‌گرایان تمام شد. با انتقال قدرت به دولت یازدهم، گفتمان جدیدی در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که نه تنها نگرش‌ها به ایران را تغییر داد، بلکه مسیر متفاوتی را نیز پیش روی مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار داد (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۴؛ خلیلی، ۱۳۹۴؛ کریمی‌پور، ۱۳۹۴). پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بلافاصله با واکنش‌های مثبت بین‌المللی، به ویژه از سوی ۵+۱ به عنوان کشورهای طرف مذاکره با ایران و همچنین بسیاری از کشورهای منطقه مواجه شد (ر.ک: سامور، ۱۳۹۲؛ نیکولو، ۱۳۹۲). در چنین فضایی، طبیعی بود که دولت جدید بهتر و راحت‌تر بتواند به حل و فصل موضوع هسته‌ای بپردازد، اما این فقط یک نقطه شروع خوب بود که باید به نحو احسن از آن استفاده می‌شد. آقای روحانی پس از به دست گرفتن قدرت، نخستین اقدامی که انجام داد انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه بود که در محافل علمی از آن به غیرامنیتی کردن موضوع هسته‌ای تعبیر شد (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۲؛ امیدی، ۱۳۹۲). البته فرایند غیرامنیتی کردن فقط منحصر به این تغییر و حتی فقط منحصر به داخل نبود، بلکه تیم جدید مذاکره‌کننده حتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کوشید از بار امنیتی موضوع بکاهد. در این راستا، مسئولین دولت و وزارت امور خارجه در عین پیشبرد مذاکرات با ۵+۱ در دیدارها و ملاقات‌های مختلف با سران آن‌ها و همچنین کشورهای منطقه بر بازی برد-برد تأکید کردند که معنای آن تلاش برای دستیابی به صلح و امنیت مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی بود. البته، این نگرش در عرصه بین‌المللی تا حد زیادی موفق بود و اوج آن را می‌توان بسته‌شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی و خروج پرونده هسته‌ای ایران از ذیل فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل و لغو همه قطعنامه‌های این شورا به عنوان بالاترین مرجع تأمین صلح و امنیت بین‌المللی دانست، اما در سطح منطقه‌ای تا جایی که مرتبط با موضوع هسته‌ای بود، با تصویب و اجرای برجام تا حد زیادی موفق شد، در حالی که به دلیل مسائل مختلفی که پس از آن بین ایران و عربستان پیش آمد، بار دیگر در مسیر پیشین قرار گرفت.

۴. انزوای روزافزون اسرائیل

با وجود اینکه اسرائیل به عنوان دشمن اصلی ایران و دیگر کشورهای منطقه از معدود کشورهایی بود که تغییر دولت در ایران را به هیچ وجه در راستای سیاست‌های خصمانه خود نمی‌دانست و از همان ابتدا تلاش کرد هم‌پیمانان غربی و منطقه‌ای خود را مجاب کند که فریب سیاست‌های صلح‌طلبانه و لبخندهای ایران را نخورند (نتانیاها، ۱۳۹۲؛ الحیات، ۱۳۹۲) و حتی برخی سیاستمداران کشورهای منطقه و مخالفین توافق هسته‌ای در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را نیز با خود همراه کرد تا هم‌زمان با مذاکرات یا حتی پس از اعلام توافق همچنان از گزینه نظامی علیه ایران سخن بگویند (Bolton, 2015)، اما تا زمان اعلام توافق نه تنها نتوانست جلوی موفقیت در مذاکرات و دستیابی به آن را بگیرد، بلکه نتوانست همانند گذشته حساسیت‌های منطقه‌ای بر علیه ایران را نیز برانگیزد. نتیجه این وضعیت انزوای روزافزون اسرائیل در بین کشورهای منطقه و حتی در سطح بین‌المللی تا قبل از تصویب و اجرای برجام بود (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۶-۱۴۵). البته، پس از آن به دلیل مسائل دیگری که از یک سو میان ایران و عربستان و از سوی دیگر به واسطه درک مشترک عربستان و اسرائیل از تهدید ایران ایجاد شد، فضای جدیدی برای اسرائیل در جهت خروج از انزوای دوران مذاکرات و حتی قرارگرفتن در مسیر هم‌پیمانی با اعراب بر علیه ایران شکل گرفته که با حل مشکلات بین ایران و عربستان می‌توان بر آن غلبه کرد.

۵. تقویت ثبات و نظم منطقه‌ای

روند روزافزون بی‌ثباتی و آنا‌رشی در سطح منطقه تا قبل از مذاکرات منتهی به برجام ضرورت خوداتکایی امنیتی و تقویت بازدارندگی را از یک سو برای ایران و از سوی دیگر برای هر یک از کشورهای منطقه برجسته نمود. در چنین شرایطی، کشورهای منطقه دو راه حل اساسی را در دستور کار خود قرار دادند؛ نخستین و بدیهی‌ترین راه حل که همواره توسط اغلب کشورهای عرب منطقه دنبال شده، ورود به رقابت تسلیحاتی بسیار گسترده بود. این کشورها که از یک سو به دلیل درآمدهای نفتی بالا دارای منابع ارزی بسیار غنی هستند و از سوی دیگر، اغلب از نیروی انسانی به عنوان زمینه و مبنای نیروی نظامی قوی نیز برخوردار نیستند، رو به خرید سلاح‌های پیشرفته متعارف آوردند (ر.ک: Cordesman, 2007; 2008)، اما در این میان برخی کشورها مانند عربستان حتی به این حد هم بسنده نکردند و در حالی که جمهوری اسلامی ایران را متهم به تلاش احتمالی برای ساخت سلاح هسته‌ای در آینده یا حتی خرید بمب اتمی از پاکستان می‌کردند (McElroy, 2010)، خود آشکارا از خرید تسلیحات هسته‌ای از پاکستان به بهانه ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران سخن به میان آوردند (BBC News, 2013). این وضعیت با تصویب و اجرای برجام منطقی‌تر می‌توانست بهبود یابد، اما تشدید درگیری‌های عربستان در سوریه و یمن و تلاش مشترک حکام سعودی و صهیونیستی برای احیای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی پیشین جهت جلوگیری از استفاده ایران از فرصت‌های

پسابرجام بار دیگر باعث تشدید این وضعیت شده است. در واقع، اگر تأثیر متغیرهای دخیل دیگر در روابط ایران و عربستان مانند تحولات عراق، سوریه و یمن را از تحولات مربوط به موضوع هسته‌ای بتوانیم تفکیک کنیم، روند مذاکرات به خودی خود باعث تقویت ثبات و نظم در منطقه گردید، اما متأسفانه در عمل نه این مسائل کاملاً قابل تفکیک هستند و نه حتی تأثیر سیاست‌های خصمانه عربستان و اسرائیل به دلیل ترس از دستیابی ایران به قدرت و نفوذ بیشتر در نتیجه تثبیت دستاوردهای هسته‌ای خود را می‌توان از آثار و پیامدهای مذاکرات تفکیک کرد.

۶. کاهش وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی

با وجود خریدهای تسلیحاتی گسترده توسط کشورهای عرب منطقه، حتی این راه حل نیز به آرامش و غلبه بر ترس خودساخته آن‌ها منتهی نشد و به همین دلیل توسل به ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی را به عنوان راه حل دیگر در دستور کار قرار دادند. البته این راه حل از نظر تئوریک و حتی از نظر عملی نیز قبلاً در روابط میان برخی کشورهای دارای توان هسته‌ای نظامی مانند هند و پاکستان مورد استفاده قرار گرفته بود (Hagerty, 1998; 2009) و بنابراین، توسل به آن به نوعی حکایت از باور آن‌ها به غیرقابل توقف بودن روند هسته‌ای شدن ایران داشت، اما آنچه حتی فراتر از توان هسته‌ای به چنین حرکتی دامن زد، تقویت روزافزون قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه پس از تحولات عراق، به ویژه با خارج شدن نیروهای آمریکایی از این کشور بود.

این نگرانی از قدرت و نفوذ ایران از یک سو و همچنین نگرانی برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان و اسرائیل از کاهش حمایت آمریکا از آن‌ها از سوی دیگر باعث شد بیش از پیش بر حمایت این کشورها از گروه‌های تروریستی از جمله داعش افزوده شود، در حالی که تصویب و اجرای برجام باعث شد از وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی مانند داعش نیز کاسته شود. مقایسه میزان حمایت برخی کشورهای منطقه و حتی آمریکا و برخی کشورهای غربی تا زمان دستیابی به توافق و پس از آن به خوبی گویای این تغییر است. در حقیقت توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ از یک سو عمق استراتژیک ایران را در منطقه افزایش و از سوی دیگر وزن استراتژیک این گروه‌ها، به ویژه داعش را نیز به شدت کاهش داد (خلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ تابناک، ۱۳۹۵؛ ندای ایرانیان، ۱۳۹۴). پیشروی‌های ارتش سوریه و عراق در مقابل این گروه پس از توافق، در قیاس با گسترش روزافزون قلمرو آن‌ها قبل از این تاریخ اگر نه کاملاً، اما تا حد زیادی نتیجه تغییر جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال استفاده از ابزار ترور در دو مقطع پیش و پس از توافق هسته‌ای است. به عبارت دیگر، این توافق حتی به صورت غیرمستقیم باعث تشدید مقابله با گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه نیز شد و شاید بتوان گفت در واکنش به این تغییر بود که داعش قلمرو فعالیت خود را از عراق و سوریه فراتر برد و به قلب اروپا و آمریکا کشاند؛ زیرا

سران این گروه و همچنین برخی کشورهای منطقه‌ای حامی آن‌ها احساس می‌کنند قربانی نزدیکی ایران و غرب در نتیجه توافق هسته‌ای شده‌اند.

۷. تضعیف ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی

با وجود اینکه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی پروژه‌ای فراتر از موضوع هسته‌ای بوده و به کینه و عداوت تاریخی دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی برمی‌گردد، اما بدون تردید سیاست هسته‌ای دولت پیشین مستمسک بسیار خوبی برای پیشبرد این پروژه نه تنها در بین مردم منطقه، بلکه در سراسر جهان بود. آنچه توسل به چنین سیاستی را برای دشمنان جمهوری اسلامی ضروری می‌کرد نگرانی از گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه با الهام از انقلاب اسلامی بود. در چنین وضعیتی، ترس از برنامه هسته‌ای عملاً تبدیل به ترس از ایران شیعی در مقابل اعراب سنی شد و خود را در قالب ترویج تعابیری چون «هلال شیعی» (ر.ک: Ajami, et.al, 2006; Alloul, 2011) نمایان ساخت. در واقع، تهدید ساختگی غرب و صهیونیست‌ها از برنامه هسته‌ای ایران تا قبل از دولت یازدهم باعث گسترش ترس و ناامنی نه تنها میان برخی دولت‌ها، بلکه حتی در میان بسیاری از مردم منطقه شده بود، اما این وضعیت نیز در دوران مذاکرات منتهی به برجام و به ویژه پس از تصویب و اجرای آن به نحو قابل توجهی تغییر یافت. آن گونه که نظرسنجی‌های بین‌المللی حکایت می‌کنند، برجام باعث احساس امنیت و آرامش بیشتر از سوی برخی دولت‌ها و اغلب ملت‌های منطقه شده است (ر.ک: ACRPS, 2015; Statista, 2016).

۸. تغییر شکاف‌ها بین بازیگران منطقه به نفع ایران

به واسطه چنین تأثیراتی است که بازیگران منطقه نیز رفتارهای مختلفی در مقابل برجام از خود بروز داده‌اند. در واقع، گرچه تمام بازیگران منطقه خود را متأثر از نتیجه برجام می‌دانند، اما واکنش همه آن‌ها یکسان نبوده است. برخی از آن‌ها، از جمله عربستان و اسرائیل به دلیل نگرانی‌هایی که از شکل‌گیری نظم آینده منطقه به زیان خود دارند، تمام تلاششان را به کار بسته‌اند تا باعث شکست آن یا حداقل مانع از اجرای کامل برجام و بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از نتایج آن شوند (احمدی، ۱۳۹۴؛ خرم، ۱۳۹۴). تلاش لابی‌های صهیونیستی و عرب در آمریکا برای برهم زدن توافق یا ممانعت از اجرای آن و همچنین تحریک جمهوری اسلامی برای عدم پایبندی به مفاد آن در همین راستا ارزیابی می‌شود که متأسفانه برخی از مخالفین داخلی نیز خواسته یا ناخواسته و به رغم تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری بر اینکه «ایران ابتدائاً برجام را نقض نخواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)، در همین مسیر گام برمی‌دارند. البته، در بین کشورهای منطقه باید بین آن‌هایی که تصور می‌کنند بیشترین زیان را متحمل می‌شوند و آن‌هایی که چنین تصویری ندارند یا حتی تصور می‌کنند از این قبل نفع هم خواهند برد، تفاوت قائل شد.

مذاکرات و توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ قطعاً خشم اسرائیل از ایران را بیشتر کرده است؛ زیرا دولتمردان صهیونیستی بیشترین منفعت را از وضعیت گذشته می‌بردند و برنامه هسته‌ای ایران را بهترین عامل گسترش ایران‌هراسی و تقویت اعمال فشار و تحریم بر جمهوری اسلامی و حتی مستمسکی برای توسل به اقدام نظامی بر علیه آن می‌دانستند (خرم، ۱۳۹۴؛ احمدی، ۱۳۹۴؛ شیعیه‌نیوز، ۱۳۹۴). گرچه برجام بدون لحاظ کردن مشکلات دیگر در روابط ایران و عربستان منطقی می‌توانست شکاف بین آن‌ها را کمتر کند، اما در عمل برخی تحولات داخلی در هر دو طرف و سایه برخی کارشکنی‌های نابخردانه در بهبود روابط دو کشور باعث زایل شدن چنین نتیجه‌ای شده و دولت عربستان را واداشته حتی به قیمت آسیب‌زدن به خود همچنان به موج شیعیه‌هراسی و سیاست اعمال فشار برای جلوگیری از دستیابی ایران به فرصت‌های برجام ادامه دهد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ خلیلی، ۱۳۹۴ الف). برجام همچنین ممکن است حس رقابت میان ایران و ترکیه را بیش از پیش برانگیخته باشد، اما قطعاً رابطه این دو کشور را بدتر از گذشته نکرده و اگر موضوع سوریه بر روابط دو کشور سایه نمی‌انداخت حتی روابط بهتری را نیز بین آن‌ها می‌توانست شکل دهد. با وجود اینکه این توافق به ویژه تحت تأثیر تبلیغات منفی و فشار عربستان بر نگرانی برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مانند بحرین و امارات متحده عربی افزوده، اما امکانی جدید برای گسترش روابط ایران با عمان، قطر و کویت نیز ایجاد کرده و در مقابل رابطه ایران با عراق، سوریه و حتی لبنان را مستحکم‌تر نموده است.

۹. تقویت محور مقاومت

در نتیجه این تغییرات در عین حال که بر روند قطبی‌شدن و پیچیدگی بیش از پیش معادلات استراتژیک منطقه افزوده شده، اما نه تنها دورنمای کلی آن حتی به حد قبل از توافق مبهم و تیره نیست، بلکه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار روشن‌تر از گذشته است؛ زیرا در آن شرایط باید شاهد ضعف روزافزون و تدریجی موقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه کانونی محور مقاومت و هم‌پیمانانش و در مقابل تقویت روزافزون رقبای دشمنان آن‌ها در منطقه بودیم، در حالی که اکنون جایگاه و مسیر پیش روی ایران بهتر و هموارتر از گذشته است (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ بزرگر، ۱۳۹۴ ب؛ میرحسینی، ۱۳۹۴). در واقع، مذاکرات منتهی به برجام نه تنها منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران را تأمین کرده، بلکه باعث ابراز خرسندی هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران در لبنان، سوریه، عراق، یمن و طرفداران جمهوری اسلامی در دیگر کشورهای منطقه نیز شده است. به همین دلیل است که با اعلام توافق هسته‌ای سیاستمداران بسیاری از این کشورها ضمن استقبال از آن بر این واقعیت غیرقابل انکار تأکید کردند که برجام باعث تقویت توان محور مقاومت در منطقه خواهد شد (Muallem, 2014). این

موضوعی است که نه تنها از زبان آن‌ها، بلکه حتی از زبان مخالفین جمهوری اسلامی و توافق هسته‌ای نیز به عنوان استدلالی در مخالفت با برجام بیان شده است. بسیاری از مخالفین برجام در کنگره آمریکا هنگام بررسی و تصویب برجام به صراحت چنین نتیجه‌ای را مبنای حمله خود به توافق و دولت آمریکا قرار دادند و به دلیل غفلت از چنین نتیجه‌ای هیئت مذاکره‌کننده خود را مورد انتقاد قرار دادند (ر.ک: Einhorn, 2015; Maloney, 2015).

۱۰. ائتلاف عربستان و اسرائیل

با وجود همه این آثار و پیامدهای مثبت برای جمهوری اسلامی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، برخی تحولات همزمان با مذاکرات منتهی به برجام و پس از آن بر نگرانی عربستان سعودی افزوده و چون حکام سعودی برجام را باعث نزدیکی ایران و غرب از جمله آمریکا و در مقابل، کاهش حمایت آن‌ها از عربستان در مقابل ایران تلقی می‌کنند، بر شدت نگرانی آن‌ها افزوده شده است. این تحولات همچنین اسرائیل را نیز در انزوای کامل قرار داد و همین ترس از تهدید مشترک زمینه را برای نزدیکی میان این دو بازیگر ناراضی و نگران از نتایج توافق فراهم کرده است. در واقع، با تحولاتی که در روابط ایران و عربستان پس از برجام رخ داد یک ائتلاف نانوشته میان سعودی‌ها و صهیونیست‌ها بر علیه ایران شکل گرفته که روز به روز گسترده‌تر و آشکارتر شده است (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲). به عبارت دیگر، این کشورها از یک سو به دلیل نگرانی از کاهش حمایت آمریکا از آن‌ها در مقابل ایران و از سوی دیگر به دلیل گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت در مسیر ائتلاف تاکتیکی قرار گرفته‌اند؛ تاکتیکی به این دلیل که عربستان به خوبی می‌داند که این ائتلاف باعث خشم ملت‌های عرب خواهد شد و نمی‌تواند در بلندمدت آن را ادامه دهد. بنابراین، خواه این ائتلاف با مصلحت‌بینی برای مدتی تداوم یابد و خواه فرو ریزد، در نهایت باز هم به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

تأثیر برجام بر منزلت بین‌المللی ایران

با وجود اهمیت تأثیر مذاکرات منتهی به برجام بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأثیر توافق هسته‌ای بر منزلت بین‌المللی ایران حتی از آن هم جدی‌تر و مهم‌تر بوده است. در واقع، سطح بین‌المللی گسترده‌ترین و در عین حال اثرگذارترین سطح از معادلات در ارتباط با مذاکرات منتهی به برجام بوده است؛ زیرا از یک سو مهم‌ترین مسائل و مشکلات ایران با قدرت‌های بزرگ، یعنی تداوم برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و رفع تحریم‌های بین‌المللی در این سطح مورد مذاکره و توافق قرار گرفتند و از سوی دیگر به واسطه برجام، منزلت و موقعیت بین‌المللی ایران از بازیگر منطقه‌ای به بازیگر مؤثر بین‌المللی ارتقا یافت. مهم‌ترین پیامدهای بین‌المللی مذاکرات منتهی به برجام که به صورت مستقیم

یا غیرمستقیم باعث ارتقاء منزلت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده است را می‌توان در موارد زیر مورد توجه قرار داد:

۱. تقویت چندجانبه‌گرایی

هرچند با طرح موضوع هسته‌ای ایران در سطح بین‌المللی، تلاش برای جلوگیری از تبدیل آن به ابزاری برای اعمال فشار بر کشور با دعوت از سه کشور اروپایی و مذاکره و توافق با آن‌ها برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها آغاز شد، اما مخالفت آمریکا با این روند در کنار برخی تحولات داخلی و منطقه‌ای دیگر، در نهایت به شکست مذاکرات و پایان دیپلماسی دولت هشتم انجامید (ر.ک: معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳۸۵؛ غریب‌آبادی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، با آغاز به کار دولت نهم، مذاکرات از سه قدرت اروپایی فراتر رفت و شامل آمریکا، روسیه و چین نیز شد تا شاید به تعبیر برخی فرصت کافی برای دیدن و تفکیک واقعیت‌ها از توهمات وجود داشته باشد (Wehrey, 2009; Tristam, 2010). اما متأسفانه با گسترش مذاکرات از سه کشور اروپایی به ۵+۱ و حتی در مواردی به برزیل و ترکیه، در عمل این دولت آمریکا بود که در عین عدم مشارکت مستقیم در مذاکرات، روند تحولات را در مسیر مورد نظر خود هدایت می‌کرد. در واقع، سیاست هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم که در تلاش بود از طریق تقویت چندجانبه‌گرایی منافع بیشتری را برای جمهوری اسلامی تأمین کند، خواسته یا ناخواسته به تقویت یکجانبه‌گرایی آمریکا و حتی تبعیت بی‌چون و چرای دیگر قدرت‌ها از این کشور انجامید (ر.ک: Khan, 2010; Milani, 2010). این در حالی است که با آغاز مذاکرات منتهی به برجام، روند معکوسی شکل گرفت که بر اساس آن خود دولت آمریکا باید نظر قدرت‌های بزرگ را برای توافق با ایران تأمین می‌کرد. به عبارت دیگر، چون این مذاکرات با حضور مستقیم نماینده آمریکا در کنار سایر قدرت‌های بزرگ بین‌المللی برگزار می‌شد، به نوعی می‌توان گفت آمریکایی‌ها نه تنها یکجانبه‌گرایی پیشین را کنار گذاشتند و با قرارگرفتن در کنار سایر قدرت‌ها خواسته یا ناخواسته، حداقل در این موضوع، گام در مسیر چندجانبه‌گرایی که مطلوب جمهوری اسلامی ایران بود نهادند (خلیلی، ۱۳۹۴ الف: ۹-۱۰؛ Iranian Diplomacy, 2016)، بلکه حتی این بار خود مدافع پیشبرد مذاکرات و عاملی برای جلب نظر دیگر قدرت‌ها شدند. بدین ترتیب، می‌توان گفت بر خلاف گذشته که ایران یا باید در مسیر امتیازدهی روزافزون یا در معرض فشار گسترده بین‌المللی قرار می‌گرفت و در نهایت هم آمریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر پشت پرده نقش برهم‌زننده بازی را ایفا می‌کرد، در شرایط جدید این آمریکا بود که با امتیازدادن به سایر قدرت‌ها باید نظر آن‌ها را برای پیشبرد مذاکرات که دیگر به حیثیت خودش گره خورده بود، جلب می‌کرد.

۲. تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای

حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع هسته‌ای ایران بسیار برای آمریکا ارزشمند است و حتی اگر به واسطه این مذاکرات به رقبای بزرگ خود نیز اجازه عرض اندام داده و حضور آن‌ها را رسماً پذیرفته، هرگز به معنای آن نیست که بازنده این بازی باشد. مهم‌ترین امتیازی که برای آمریکایی‌ها در صحنه بین‌المللی بسیار اهمیت داشته، تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای است. حتی با وجود پذیرش نقش دیگر قدرت‌ها نیز هنوز آمریکا مهم‌ترین قدرت هژمون در دنیا است و حفظ و تأمین امنیت جهان در راستای منافع این کشور ارتباط تنگاتنگی با حفظ و گسترش نظام عدم اشاعه هسته‌ای دارد. در واقع، از نظر ساختاری حل و فصل موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران باعث ثبات و امنیت بیشتر نه تنها در دنیا، بلکه به صورت خاص در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه شد که هم به نفع آمریکا و قدرت‌های بزرگ و هم به نفع کشورهای منطقه از جمله ایران خواهد بود (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ شاپوری، ۱۳۹۴ الف؛ برزگر، ۱۳۹۴ الف؛ Khoshandam, 2016a).

البته، جمهوری اسلامی ایران بارها به صراحت توسط مسئولین عالی‌رتبه خود اعلام کرده بود که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و ساخت و کاربرد آن را حرام می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)، اما تأکید بر پیشرفت فنی هسته‌ای در مسیر صلح‌آمیز باعث ترغیب برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان، ترکیه، مصر و حتی امارات متحده عربی به داشتن تأسیسات هسته‌ای یا حتی در مواردی چون عربستان به اعلام آشکار اراده برای خرید سلاح‌های اتمی از پاکستان شد (BBC News, 2013) و از نظر ساختاری تضعیف نظام عدم اشاعه هسته‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال داشت. به هر حال، این روند روزافزون احساس نیاز و تقاضا برای فناوری و سلاح هسته‌ای نیز با مذاکرات منتهی به برجام دگرگون شد، زیرا این تجربه اولاً به بسیاری از کشورها نشان داد که چنین خواستی هزینه‌های بسیار گزافی دارد و با واکنش قدرت‌های بزرگ عملاً به نتیجه نمی‌رسد و ثانیاً، کاهش توان غنی‌سازی ایران خود به خود از احساس نگرانی و ترس بسیاری از کشورهای منطقه که باور کرده بودند ایران به دنبال قدرت نظامی هسته‌ای است و آن‌ها باید به فکر بازدارندگی هسته‌ای در مقابل آن باشند، کاسته است.

۳. جایگزینی دیپلماسی به جای تهدید نظامی، ترور و خرابکاری

راهی که دولت آقای احمدی‌نژاد در مقابل اعمال فشار و تحریم‌های بین‌المللی برگزید، مقاومت در مقابل امتیازخواهی بیشتر در عین بی‌توجهی به روند روزافزون تنبیه و مجازات بود که خود را در قالب فشارها و تحریم‌های فلج‌کننده بین‌المللی به صورت یکجانبه یا در هماهنگی با قدرت‌های دیگر در ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بروز داد. البته، آمریکا و اسرائیل حتی به این حد هم

بسنده نکردند و از تهدید نظامی و همچنین توسل به ترور دانشمندان هسته‌ای و خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای نیز به عنوان تمام گزینه‌های روی میز علیه ایران استفاده کردند (ر.ک: غریب‌آبادی، ۱۳۸۷ ب: ۱۱۹-۸۳). هرچند حتی توسل به تمام این گزینه‌ها نیز نتیجه‌ای را عاید آن‌ها نکرد، اما بدون شک تبعات ناگواری برای جامعه ایران داشت و هزینه‌های بسیاری را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد. در حالی که با آغاز مذاکرات منتهی به برجام از یک سو از اهمیت و اعتبار تهدید نظامی، ترور و خرابکاری تا حد زیادی کاسته و در عمل استفاده از این گزینه‌ها کنار گذاشته شد و از سوی دیگر، دیپلماسی به عنوان کم‌هزینه‌ترین گزینه جایگزین آن‌ها گردید. در واقع، روند تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای از زمان دولت یازدهم حول محور گزینه دیپلماسی شکل گرفت و با اهمیت یافتن این گزینه و اثبات کارآمدی آن، دیگر گزینه‌ها در عمل به حاشیه رانده شدند (ر.ک: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۳: ۵۱۷-۵۱۲؛ ۱۳۹۴ الف: ۶۶۸-۶۶۴؛ ب: ۱۳۹۴؛ ۵۰۰-۴۹۸)؛ هرچند در حرف هنوز هم گاه از آن گزینه‌ها یاد می‌شود و به ویژه مخالفین توافق چه در ایران و چه در دیگر کشورهای طرف توافق، باز هم سعی در برجسته کردن گزینه‌های پیشین دارند.

۴. اثبات حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران

هرچند ایران هیچ‌گاه حتی تا قبل از مذاکرات منتهی به برجام نیز به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نرفت و همواره بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید داشت، اما تصویرسازی از ایران و برنامه هسته‌ای آن تا قبل از دولت یازدهم در عرصه بین‌المللی به گونه‌ای بود که بسیاری از مردم جهان ادامه آن را مایه نگرانی و ناامنی می‌دانستند و حتی بیشتر مردم آمریکا مخالف آن بودند و از اقدام نظامی علیه آن حمایت می‌کردند (ر.ک: Reuters, 2012; Gallup, 2013). در واقع، با پیشرفت فنی برنامه هسته‌ای ایران در دولت قبل و قطعنامه‌هایی که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران صادر شد، نه تنها حقانیت و مشروعیت این برنامه زیر سؤال رفت، بلکه دفاع از آن در مقابل افکار عمومی جهان نیز روز به روز دشوارتر شد. نظرسنجی‌های بین‌المللی در آن مقطع به خوبی حاکی از آن بود که افکار عمومی بین‌المللی نیز با پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران مخالف است؛ اما از وقتی مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم آغاز شد، به میزان پیشرفت در مذاکرات، حق ایران در برخورداری از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و همچنین باور به عدم انحراف به سمت برنامه هسته‌ای نظامی نیز بیشتر مورد پذیرش جهانی قرار گرفت (ر.ک: Statista, 2016; ACRPS, 2015). بدین ترتیب، ایران از تهدید خیالی به مدل پیشرو و بازیگر مسئول در قبال صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد. همچنین، لغو شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و ۱۲ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسته شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران در مهم‌ترین نهاد بین‌المللی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای در

جهان که با قطعنامه رسمی این نهاد در تاریخ ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) تأیید شد، کمک بزرگی به این تغییر جهت‌گیری کرد و مهر تأییدی بر حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پایانی بر تصویرسازی‌های نادرست و غیرمنصفانه از آن بود.

۵. کاهش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و افزایش توان ایران

بر خلاف آنچه اغلب از جانب برخی طرفداران سیاست هسته‌ای دولت قبل گفته می‌شود که پیشرفت در برنامه هسته‌ای باعث گسترش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران شد (ر.ک: سلامتی، ۱۳۹۳؛ انتخاب، ۱۳۹۳)، این برنامه باعث شد جمهوری اسلامی ایران نتواند از فرصت‌هایی که در نتیجه تغییرات در عراق و سپس در دیگر کشورهای منطقه به دنبال تحولات منطقه عربی ایجاد شد، بهره بگیرد. نتیجه ناخواسته گسترش این برنامه، گسترش موج ایران‌هراسی نه تنها در سطح منطقه، بلکه حتی در سطح بین‌المللی بود و این وضعیت در نهایت جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا را ترغیب و تشویق کرد انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خود قرار دهد. در این راستا، با اعمال فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، دستیابی ایران به درآمدهای نفتی و ذخایر بین‌المللی خود محدود شد و با افزایش هزینه‌های مبادله و عدم امکان دسترسی به منابع و مسیرهای مبادله بانکی و بیمه‌ای روز به روز فشارها بر اقتصاد و جامعه ایران بیشتر شد. در نتیجه این وضعیت، ارزش پول ملی در قیاس با ارزهای بین‌المللی به شدت کاهش یافت و اگر نبود برخی از ذخایر ناشی از افزایش فروش نفت در سال‌های قبل، فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چندان دور از تصور نبود (ر.ک: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲؛ خبرآنلاین، ۱۳۹۴). در چنین شرایطی، آقای روحانی با استفاده از تغییر فضای گفتمانی در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در عین تأکید بر پیشبرد برنامه هسته‌ای به دنبال آن بود که «هم چرخ ساتنریفیوژ بچرخد و هم چرخ اقتصاد» (روحانی، ۱۳۹۲). در این چارچوب از یک سو با تعلیق تحریم بیشتر در دوران مذاکرات بر اساس توافق ژنو، عملاً جلوی سیاست تنبیه و مجازات به سبک قبل گرفته شد و از سوی دیگر، به دلیل کاهش و رفع بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی، کاهش هزینه‌های مبادله نسبت به قبل و افزایش میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵ الف؛ ۱۳۹۵ ب)، در عمل توان جمهوری اسلامی ایران هم برای مقابله با مشکلات داخلی و هم برای نقش‌آفرینی بیشتر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافت.

۶. افزایش نقش و توان بین‌المللی ایران

در حالی که روند فرسایشی پیش از مذاکرات منتهی به برجام توان جمهوری اسلامی ایران برای نقش‌آفرینی‌های فراملی را به شدت محدود کرده بود، قرارگرفتن ایران در مذاکرات در کنار ۱+۵ از همان زمان به صورت ضمنی به معنای پذیرش نقش برتر ایران به عنوان بازیگر مؤثر بین‌المللی بود. با

وجود این، در آن مقطع نگاه به ایران به عنوان بازیگر غیرمسئول که باید مهار شود بود، در حالی که در دوران جدید ایران توانست به جهانیان بقبولاند که بازیگری مسئول و توانمند حتی بدون داشتن بمب اتمی و بدون نیاز به داشتن آن است و به همین دلیل بلافاصله پس از اجرای برجام، تهران به محل رفت‌وآمد هیئت‌های تجاری و دیپلماتیک تبدیل شد (ر.ک: آفتاب‌نیوز، ۱۳۹۵ ب؛ ایران آنلاین، ۱۳۹۵)؛ نکته‌ای که حتی بسیاری از سیاستمداران کشورهای منطقه و همچنین مخالفین توافق در آمریکا نیز آشکارا به آن اذعان کرده و معترض بوده‌اند (ر.ک: سجادپور، ۱۳۹۴؛ میرحسینی، ۱۳۹۴؛ Barzegar, 2016). البته این ظرفیت زمانی تداوم و استمرار دارد که جمهوری اسلامی ایران از یک سو بتواند از فرصت‌های نهفته در برجام و تحولات پس از آن به بهترین نحو استفاده کند و از سوی دیگر در سایر موضوعات نیز به صورت تدریجی در این سطح وارد مذاکره شود و حضور خود را در سطح بین‌المللی استمرار داده و نهادینه سازد.

۷. تقویت محور مبارزه با تروریسم بین‌المللی

استدلال آمریکا و قدرت‌های غربی برای جلوگیری از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای ریشه در نگرانی بسیاری از کارشناسان غربی و آمریکایی از اشاعه هسته‌ای داشت (ر.ک: Sagan, et.al, 2007; Stanley, 2007). به همین دلیل، کشورهای منطقه با حمایت و هدایت آمریکا و رژیم صهیونیستی به همان میزان که کوشیدند اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد، گام در مسیر ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی برای ممانعت از دستیابی به سلاح هسته‌ای یا مهار ایران در صورت دستیابی نیز نهادند. در حالی که مذاکرات منتهی به برجام، همچنان که باعث فروپاشی اجماع بین‌المللی علیه ایران شد، باعث تبدیل روند رو به گسترش حمایت از تروریسم به تلاش هرچند ظاهری برای ائتلاف علیه آن نیز گردید که کاملاً منطبق با پیشنهاد آقای روحانی به سازمان ملل در چارچوب «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» است. البته، بدیهی است که نقش آمریکا در ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی به ویژه در منطقه خاورمیانه را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت، اما به هر حال همین که این کشور خود با تشکیل ائتلاف بین‌المللی، حتی به صورت ظاهری پیش‌تاز مقابله با تروریسم و داعش شده را نیز نباید کم‌اهمیت دانست. آنچه در این میان مهم است، ارتباط این تحول با مذاکرات هسته‌ای است. همچنان که قبلاً هم گفته شد، توسل به تروریسم در مقابل ایران اساساً به دلیل نگرانی از به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای در دولت قبل و در واقع، تلاشی برای مهار برنامه هسته‌ای ایران یا حداقل متوقف کردن آن بود و بنابراین، با آشکار شدن نشانه‌های به نتیجه رسیدن مذاکرات، روز به روز از اهمیت این ابزار برای مقابله با ایران کاسته شد و در مقابل، اهمیت ائتلاف علیه تروریسم بیشتر گردید (خلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ برزگر، ۱۳۹۴).

الف). البته، در این میان نباید به احساس نگرانی اسرائیل و عربستان و حتی دیگر کشورهای منطقه از قدرت گرفتن ایران پس از توافق و جایگزینی آن‌ها با آمریکا به عنوان حامی گروه‌های تروریستی بی‌توجه بود. در واقع، اگر تا قبل از آشکارشدن نشانه‌های توافق، آمریکا و برخی دیگر از قدرت‌های غربی بزرگ‌ترین حامی گروه‌های تروریستی برای مهار قدرت ایران بودند، به تدریج و با آشکارشدن نشانه‌های دستیابی به توافق از حمایت آمریکا از این گروه‌ها کاسته و حتی برخورد با آن‌ها در عراق و سوریه بیشتر شد و در مقابل، بر حمایت اسرائیل و عربستان و دیگر کشورهای نگران از افزایش قدرت ایران در منطقه در دوران پس از برجام افزوده شد. مقایسه تحولات در عراق و سوریه قبل و پس از توافق تا حد زیادی نشانگر این چرخش اساسی است (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ خرم، ۱۳۹۴).

۸. تضعیف پروژه ایران‌هراسی بین‌المللی

یکی از دلایل موفقیت آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن در پروژه ایران‌هراسی بین‌المللی، تقارن آن با برنامه هسته‌ای ایران بود. در واقع، این برنامه بستر را برای پیشبرد پروژه مذکور در سطح بین‌المللی به گونه‌ای فراهم کرد که تا قبل از دولت یازدهم، جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظرسنجی‌های بین‌المللی، به عنوان یکی از منابع عمده تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌شد که باید با اقدام نظامی متوقف شود (ر.ک: Reuters, 2012; Gallup, 2013). اما مذاکرات منتهی به برجام این پروژه را در عرصه بین‌المللی نیز تضعیف کرد؛ زیرا با ادامه این سیاست، بدیهی بود توافق هسته‌ای که دولت آمریکا حیثیت دیپلماتیک خود را به پای آن گذاشته، امکان‌پذیر نباشد. جالب آنکه دولت آمریکا که قبلاً عامل ترویج ایران‌هراسی در بین کشورهای منطقه و در سطح دنیا بود، خود با برگزاری جلسات مختلف و تماس‌های مکرر با سران کشورهای منطقه سعی کرد آن‌ها را مجاب کند که توافق هسته‌ای با ایران نه تنها به ضرر آن‌ها نیست، بلکه تضمین‌کننده امنیت آن‌هاست. این تغییر در معادلات قدرت تا آنجا پیش رفت که حتی دوقطبی‌های مرسوم علیه ایران در آمریکا نیز به حاشیه رفت و بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان آمریکا و متحدان آن دریافتند که در صورت ادامه فشار بر ایران همراهی قدرت‌های بزرگ را از دست خواهند داد (سجادپور، ۱۳۹۴: ۸۰؛ میرنظامی، ۱۳۹۴: ۸۴). البته، این پروژه متأسفانه پس از توافق از یک سو توسط اسرائیل، عربستان و سایر کشورهای نگران از افزایش قدرت و نفوذ ایران پس از برجام و از سوی دیگر توسط مخالفین توافق در آمریکا و حتی برخی کشورهای منطقه و همچنین برخی از مخالفین توافق در ایران به گونه‌ای دیگر در حال بازسازی است که در صورت موفقیت، حتی به مراتب خطرناک‌تر از دوران قبل از مذاکرات خواهد بود و مهار آن تدبیر و درایت خاصی را می‌طلبد.

۹. تغییر وضعیت شکاف‌ها بین بازیگران بین‌المللی به نفع ایران

به واسطه تغییرات در سطح بین‌المللی در نتیجه مذاکرات منتهی به برجام، امروزه از یک سو شاهد تقویت شکاف بین آمریکا و اسرائیل و همچنین بین آمریکا و کشورهای عرب خلیج فارس، به ویژه عربستان و از سوی دیگر شاهد کاهش شکاف بین ایران و آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ در مسائل منطقه‌ای از جمله در موضوع مقابله با تروریسم هستیم. به عبارت دیگر، مذاکرات و توافق هسته‌ای خود باعث تغییر در روابط ایران با آمریکا و غرب شده و این تغییر اثرات خود را بر روابط آن‌ها با کشورهای منطقه نیز آشکار کرده است (ر.ک: برزگر، ۱۳۹۴ ب؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۴). البته، تغییر وضعیت این شکاف‌ها فقط یک روی سکه است و روی دیگر آن تقویت همکاری ایران با اروپا، روسیه و چین است که نمودهای آن را در تراکم رفت و آمدهای دیپلماتیک بین مقامات عالی این کشورها به ایران می‌توان دید (رک: آفتاب نیوز، ۱۳۹۵ ب؛ ایران آنلاین، ۱۳۹۵؛ شاپوری، ۱۳۹۴ ب؛ ۲۲-۱۹؛ مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵: ۸-۱۱). در واقع، مذاکرات و توافق هسته‌ای تصویری متفاوت از ایران به جهانیان نشان داد و همچنان که بسیاری از مخالفین آن در آمریکا و حتی برخی کشورهای منطقه استدلال می‌کنند باعث رهاسازی پتانسیل‌های محدودشده ایران و تقویت موضع آن به ویژه از نظر دیپلماتیک و اقتصادی در صحنه بین‌المللی شد (ر.ک: آفتاب نیوز، ۱۳۹۵ الف؛ برزگر، ۱۳۹۴ ب) و ائتلاف علیه ایران را به ائتلاف علیه مخالفین توافق و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آن تبدیل کرد. بنابراین، اگر در گذشته بین آمریکا، اسرائیل و عربستان و سایر کشورهای منطقه ائتلافی گسترده علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون محور مقاومت وجود داشت، مذاکرات منتهی به برجام این شکاف را به بطن محور سلطه منتقل کرد و اختلاف بین آمریکا با اسرائیل و عربستان را از یک سو و بین دو جناح سیاسی در آمریکا از سوی دیگر تقویت کرد و بدین ترتیب، آمریکا و همچنین روسیه و چین و سایر قدرت‌های بین‌المللی را به ویژه در تحولات منطقه در مقابل داعش به عنوان دشمن قسم‌خورده جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت قرار داد (ر.ک: سجادی‌پور، ۱۳۹۴؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ Khoshandam, 2016b).

۱۰. دستیابی ایران به ذخایر بین‌المللی و ارتباط مستقیم با اقتصاد جهانی

تا قبل از آغاز به کار دولت یازدهم و شروع فصل جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ به تدریج حلقه محاصره اقتصادی و تجاری علیه جمهوری اسلامی ایران تنگ‌تر شد. مسدود شدن منابع ارزی کشور در بانک‌های خارجی و عدم امکان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باعث شد ارتباط مستقیم جمهوری اسلامی ایران با اقتصاد جهانی قطع شود. در این وضعیت اگر کالایی هم از ایران صادر می‌شد، به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی امکان دستیابی به پول آن وجود نداشت و به همین دلیل بسیاری از مبادلات

بین‌المللی به صورت پایاپای صورت می‌گرفت، یعنی به جای مواد خام و محصولات که از ایران صادر می‌شد، محصولات بی‌کیفیت و در مقیاس گسترده وارد کشور می‌شد که اقتصاد ملی را با بحران مواجه و بیشترین ضرر را به تولید داخلی و اشتغال ملی وارد کرد. البته، با آثار ناگواری که این وضعیت برای ایران داشت، مدت‌ها زمان لازم است تا بار دیگر اقتصاد ملی بتواند احیا شود و مقاوم و پویا گردد، اما حداقل نتیجه‌ای که برجام داشته این است که به روند فلاکت‌بار پیشین پایان داده و روند جدیدی را پیش روی کشور قرار داده است. در واقع، با وجود اینکه هنوز موانع و مشکلات بسیاری بر سر راه لغو تحریم‌ها و به ویژه شکسته‌شدن فضای روانی تحریم وجود دارد که هم در داخل و هم در عرصه دیپلماتیک باید برای رفع آن‌ها تلاش کرد و به عنوان مطالبه ملی پیگیری نمود، اما حتی اگر بر اساس آنچه به صورت واقعی و عملی تحقق یافته نیز قضاوت کنیم، فضای پس از برجام به استناد آمار و ارقام منتشرشده باعث افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، کاهش هزینه‌های مبادله با جهان، افزایش دستیابی ایران به منابع و ذخایر بین‌المللی خود، پیوند بیشتر با اقتصاد جهانی و در مجموع، تقویت توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شده است (ر.ک: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵ الف؛ ۱۳۹۵ ب؛ شاپوری، ۱۳۹۴ ب: ۲۲-۱۹؛ مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵: ۱۱-۸).

نتیجه‌گیری

بررسی آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست هسته‌ای دولت یازدهم که در مذاکرات منتهی به برجام نمود یافته، بیش و پیش از هر چیز نیازمند اتخاذ رویکرد نظری مناسب است. همچنان‌که در این مقاله مورد تأکید قرار گرفت، رویکردهای فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی در عین آنکه زوایای مختلفی از موضوع را پیش روی ما قرار می‌دهند، نمی‌توانند همه آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن را به خوبی منعکس کنند. این در حالی است که رویکرد استراتژیک به عنوان رویکردی کلان و جامع‌نگر که به همه ابعاد و سطوح موضوع توجه دارد و جوه فرصت و تهدید آن را به صورت توأمان در ارتباط با همه بازیگران مورد توجه قرار می‌دهد، از قابلیت بیشتری برای تبیین موضوع برخوردار است.

اگر بر این اساس بخواهیم روند تحولات منطقه تا قبل از دولت یازدهم و شروع مذاکرات منتهی به برجام را ارزیابی کنیم می‌توان گفت با وجود فضای مناسب برای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات در افغانستان و عراق و تحولات ناشی از بهار عربی یا بیداری اسلامی، برنامه و مذاکرات هسته‌ای تا قبل از دولت یازدهم در عمل به انزوای تدریجی ایران و کنارگذاشتن آن از مناسبات منطقه‌ای، امنیتی‌شدن فضا، افزایش بی‌ثباتی از طریق گسترش رقابت تسلیحاتی و تقویت گروه‌های تروریستی و جهت‌دهی آن‌ها بر علیه ایران، تقویت ایران‌هراسی

و شیعه‌هراسی به ویژه توسط عربستان و اسرائیل، تلاش منطقه‌ای و بین‌المللی برای تضعیف توان لجستیکی و دفاعی محور مقاومت از طریق افزایش فشار و تحریم بر جمهوری اسلامی انجامید و شکاف‌ها بین بازیگران منطقه‌ای را به زیان ایران و در راستای منزوی کردن آن شکل داد. در حالی که مذاکرات منتهی به برجام بسیاری از این روندها و جهت‌گیری‌ها را به نفع جمهوری اسلامی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن تغییر داد، بسیاری از موانع قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران را از میان برداشت و جایگاهی برتر و هژمونیک به جمهوری اسلامی ایران بخشید.

مذاکرات منتهی به برجام در سطح بین‌المللی نیز روند امتیازدهی روزافزون غیرهسته‌ای در مقابل سیاست یکجانبه‌گرایانه آمریکا را متوقف کرد و زمینه را برای چندجانبه‌گرایی به عنوان نظم مطلوب بین‌المللی ایران فراهم نمود؛ نظام عدم اشاعه هسته‌ای بین‌المللی که در نهایت باعث افزایش نظم و ثبات منطقه‌ای به نفع ایران می‌شود را تقویت کرد؛ دیپلماسی به عنوان کم‌هزینه‌ترین راه حل را جایگزین اقدام نظامی، ترور و خرابکاری نمود؛ با لغو بسیاری از قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی و تغییر نگرش افکار عمومی بین‌المللی، حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را به اثبات رساند؛ از فشار تحریم‌های ظالمانه بر اقتصاد و جامعه ایران کاست و در مقابل بر توان جمهوری اسلامی برای ایفای بهتر نقش‌های بین‌المللی خود افزود؛ محور بین‌المللی مبارزه با تروریسم به عنوان یکی از تهدیدهای اساسی جمهوری اسلامی را تقویت کرد؛ پروژه ایران‌هراسی مبتنی بر فعالیت‌های هسته‌ای را متوقف یا حداقل تضعیف نمود؛ شکاف‌های بین‌المللی را به نفع جمهوری اسلامی و به زیان مخالفین و دشمنان آن تغییر داد و در نهایت، زمینه را برای دستیابی ایران به ذخایر مسدودشده و منابع مالی و اقتصادی بین‌المللی خود فراهم کرد. با این تغییرات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، بدیهی است که می‌توان گفت مذاکرات منتهی به برجام جایگاه منطقه‌ای و منزلت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرد و آن را به عنوان قدرت هژمون منطقه‌ای و بازیگر مؤثر بین‌المللی جلوه‌گر ساخت. شاید به همین دلیل است که رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی بسیار بیش از گذشته نگران افزایش قدرت و نفوذ آن هستند و از هیچ کوششی برای جلوگیری از آن دریغ نمی‌کنند. بنابراین، به همان میزان که باید از فرصت‌های ایجادشده در نتیجه این وضعیت استفاده کرد، باید مراقب تهدیدهای پیش رو نیز بود.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۴۹۳۱)، «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۱۳۲۲»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۸، شماره ۰۳، صص ۶۵-۹.
- احمدی، وحیده (۴۹۳۱)، «توافق هسته‌ای و همگرایی عربستان و اسرائیل»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۰۴، صص ۸۳-۱۳.
- اسداله‌هی، غلامرضا (۱۹۳۱)، «پرونده هسته‌ای ایران در مسیر فنی و حقوقی بررسی شود». قابل دسترس در:
<http://www.icana.ir/Fa/News/199349>
- الحیات (۲۹۳۱)، «تل‌آویو نگران از توافق احتمالی واشنگتن با روحانی»، ترجمه علی موسوی خلخالی. قابل دسترس در:
<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1920161.html>
- الف (۸۸۳۱)، «شاخصه‌های دیپلماسی دولت نهم». قابل دسترس در:
<http://alef.ir/vdceex8e.jh8xzi9bbj.html?43314>
- امیدی، علی (۲۹۳۱)، «پایان نگاه امنیتی به مذاکرات هسته‌ای». قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1921026.html>
- انتخاب (۳۹۳۱)، «سخنرانان اجتماع امروز دلواپسان هسته‌ای یا حامیان احمدی‌نژاد چه کسانی هستند؟». قابل دسترس در:
<http://www.entekhab.ir/fa/news/159519/>
- ایران هسته‌ای (۴۹۳۱)، «آقای دکتر، محل مصرف غنی‌سازی ۰۲ درصد اینجاست». قابل دسترس در:
<http://irannuc.ir/content/2171/>
- ایران آنلاین (۵۹۳۱)، «روایت «ایران» از ترافیک هیئت‌های اقتصادی خارجی در دوره جدید». قابل دسترس در:
<http://www.ion.ir/News/118702.html/>
- آفتاب نیوز (۵۹۳۱ الف)، «کنفرانس بررسی یک‌سالگی برجام در اسرائیل». در:
<http://aftabnews.ir/fa/news/376583/>
- آفتاب نیوز (۵۹۳۱ ب)، «توافق هسته‌ای و گسترش روابط دیپلماتیک و تجاری ایران با جهان». در:
<http://aftabnews.ir/fa/news/363737/>
- باشگاه خبرنگاران جوان (۴۹۳۱)، «تحلیل تخصصی بسیج دانشجویی دانشگاه شریف از برجام». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/5294986/>
- باقری، علی (۲۹۳۱)، «نقطه اختلاف دقیقاً کجاست؟/ چارچوب و توازن دو کلیدواژه اصلی در منطق مذاکراتی ایران». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/4327982/>
- برزگر، کیهان (۴۹۳۱ الف)، «توافق هسته‌ای و مسئله «ثبات استراتژیک» در سیاست منطقه‌ای ایران». قابل دسترس در:
<http://www.khabaronline.ir/detail/405911/>
- برزگر، کیهان (۴۹۳۱ ب)، «ژئوپلیتیک برجام». قابل دسترس در:
<http://www.tabnak.ir/fa/news/573547/>

بروجردی، علاءالدین (۱۹۳۱)، «دستاوردهای هسته‌ای ایران». قابل دسترس در:
<http://www.borojerdi.ir/main/index.php?Page=definition&UID=283669>.

بیگدلی، علی (۵۹۳۱)، «آمریکا در اجرای برجام بدعه‌دی کرده است». قابل دسترس در:
<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/31/1052593/>.

پژوهشکده مطالعات آمریکا (۴۹۳۱)، «نفوذ، استراتژی آمریکا پس از برجام در ایران». قابل دسترس در:
<http://www.usrin.com/index.jsp?fkeyid=&siteid=21075&pageid=32801&newsview=14331/>.

پژوهشکده مطالعات راهبردی (۳۹۳۱)، «مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۳۹۳۱ و چشم‌انداز ۴۹۳۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۸۱۵-۹۹۴. پژوهشکده مطالعات راهبردی (۴۹۳۱ الف)، «روند مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام (سال ۴۹)»، سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۴۹۳۱ و چشم‌انداز ۵۹۳۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۷۴-۳۵۴. پژوهشکده مطالعات راهبردی (۴۹۳۱ ب)، «پیامدهای راهبردی برجام (فرصت‌ها و تهدیدها)»، سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۴۹۳۱ و چشم‌انداز ۵۹۳۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۵۰۵-۷۸۴. تابناک (۵۹۳۱)، «ژنرال‌های ایرانی درباره توافق هسته‌ای چه می‌گویند». قابل دسترس در:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/609543/>.

جلیلی، سعید (۱۹۳۱)، «متن کامل سخنان دکتر جلیلی پس از مذاکرات آلمانی». قابل دسترس در:
<http://www.irannuc.ir/fa/content/1294>.

جلیلی، سعید (۴۹۳۱ الف)، «نقد فنی برجام توسط دکتر سعید جلیلی». قابل دسترس در:
<http://www.598.ir/fa/news/337905/>.

جلیلی، سعید (۴۹۳۱ ب)، «هیچ‌گاه حقوق کمتر یا تکلیف بیشتر را نپذیرفتم». قابل دسترس در:
<http://www.teribon.ir/archives/305632/>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۹۸۳۱)، «حرمت سلاح کشتار جمعی». قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=228>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۵۹۳۱)، «دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب». قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33352>.

خبر آنلاین (۴۹۳۱)، «مقایسه ۸ سال دولت احمدی‌نژاد و یک سال دولت روحانی /چه بودیم چه شدیم». قابل دسترس در:
<http://khabaronline.ir/detail/359399/Economy/macroeconomics/>.

خبرگزاری تسنیم (۲۹۳۱)، «نقد عملکرد ۸ ساله دولت احمدی‌نژاد و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۲۹». قابل دسترس در:
<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/01/27/41842/>.

خبرگزاری فارس (۴۹۳۱)، «تانیاهو: توافق هسته‌ای ایران اشتباه بد تاریخی است». قابل دسترس در:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940423000700>.

خبرگزاری مهر (۴۹۳۱)، «هشدار مجدد یعالون در مورد توافق هسته‌ای غرب با ایران». قابل دسترس در:
<http://www.mehrnews.com/news/2857539/>.

خرم، علی (۴۹۳۱)، «منافع اجرای برجام برای ایران و جهان». قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1955640/>.

خلیلی، رضا (۲۹۳۱)، «امنیتی‌زدایی؛ چارچوب سیاست هسته‌ای دولت یازدهم»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال دوم، شماره ۸۱، صص ۲۱-۵. خلیلی، رضا (۳۹۳۱)، «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۳۶، صص ۴۵۱-۱۲۱.

خلیلی، رضا (۴۹۳۱ الف)، «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی توافق هسته‌ای»، ماهنامه برآورد، سال سوم، شماره ۸۲-۷۲، صص ۲۱-۵.

خلیلی، رضا (۴۹۳۱ ب)، «پیامدهای نظامی، دفاعی و امنیتی برجام»، ماهنامه برآورد، سال سوم، شماره ۰۳، صص ۴۲-۵۱. دلاورپور اقدم، مصطفی (۷۸۳۱)، ایران هسته‌ای: نماد اراده ملی در برابر نظام هژمونیک غرب، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی عطائی (۳۹۳۱)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۳۶، صص ۲۱-۷۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۶۸۳۱)، «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، صص ۶۸-۵۵.

دیپلماسی ایرانی (۳۹۳۱)، «توافق هسته‌ای ایران بیشتر سیاسی است تا فنی». قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1939332/>.

دیپلماسی ایرانی (۴۹۳۱)، «کروز: توافق هسته‌ای با ایران یک اشتباه تاریخی است». قابل دسترس در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1946685/>.

رضایی، محسن (۴۹۳۱)، «آمریکا به دنبال نفوذ در سیستم‌های امنیتی ایران است». قابل دسترس در:

<http://www.mizanonline.ir/fa/news/108631/>.

روحانی، حسن (۴۹۳۱)، «چرخش سانتی‌فیوژها زمانی ارزشمند است که چرخ اقتصاد هم بچرخد». قابل دسترس در:

<http://neconews.com/vdgcg3z9t.ak9nx4prra.html>.

زاکانی، علیرضا (۵۹۳۱)، «هیچ‌کدام از تعهدات آمریکا در برجام عملی نشد». قابل دسترس در:

<http://basijnews.ir/fa/news/8663621/>.

سامور، گری (۲۹۳۱)، «آمدن روحانی می‌تواند مسئله هسته‌ای را حل کند». قابل دسترس در:

<http://www.rohaninews.com/1621.html>.

سجادپور، سید محمدکاظم (۴۹۳۱)، «ارزش‌های راهبردی دستیابی به توافق هسته‌ای»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۰۴، صص ۲۸-۷۷.

سلامتی، اعظم (۳۹۳۱)، سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و مواضع شخصیت‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سیک، گری (۵۹۳۱)، «گری سیک: برجام برای مهار کافی نبود؛ نگرانی از تسلط منطقه‌ای ایران است». قابل دسترس در:

<http://paydarymelli.ir/fa/news/22769>.

شاپوری، مهدی (۴۹۳۱ الف)، «نگاه غربی به توافق هسته‌ای»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۰۴، صص ۷۸-۳۸.

شاپوری، مهدی (۴۹۳۱ ب)، «سیاست خارجی ایران بعد از توافق جامع»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۴۲-۷۱.

شیعه نیوز (۴۹۳۱)، «چرا اسرائیل از توافق هسته‌ای با ایران عصبانی است؟». قابل دسترس در:

<http://www.shia-news.com/fa/news/86867/>.

صالحی امیری، سیدرضا (۴۹۳۱)، «توافق هسته‌ای، غرور ملی». قابل دسترس در:

<http://www.asriran.com/fa/news/406187/>.

صالحی، علی‌اکبر (۴۹۳۱)، «تاگفته‌های مذاکرات هسته‌ای و جزئیات مذاکره محرمانه ایران و آمریکا». قابل دسترس در:

<http://aftabnews.ir/fa/news/311778/>.

عباسی، حسن (۴۹۳۱)، «ارزیابی استراتژیک برجام و قطعنامه ۱۳۲۲». قابل دسترس در:

<http://www.rajanews.com/news/218272>.

عصر دیپلماسی (۵۹۳۱)، «گزارش ظریف از سرمایه‌گذاری‌های خارجی پس از برجام به مجلس». قابل دسترس در: <http://asrdiplomacy.ir/>.

غریب‌آبادی، کاظم (۶۸۳۱)، پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
غریب‌آبادی، کاظم (۷۸۳۱ الف)، برنامه هسته‌ای ایران؛ واقعیت‌های اساسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
غریب‌آبادی، کاظم (۷۸۳۱ ب)، نهضت ملی هسته‌ای، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
فرهنگ نیوز (۴۹۳۱)، «اسرار ایران در معرض خطر است! / آیا ایران به سرنوشت عراق دچار می‌شود؟». قابل دسترس در: <http://www.farhangnews.ir/content/126270>.

قهرمانپور، رحمان (۷۸۳۱)، رویکرد قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
کریمی‌پور، داود (۴۹۳۱)، «دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم؛ تحلیلی بر ماهیت و گفتمان». قابل دسترس در: <http://paydarymelli.ir/fa/news/14994/>.
کیسینجر، هنری و جورج پی. شولتز (۵۹۳۱)، «پیامد توافق هسته‌ای با ایران»، ترجمه نوژن اعتضادالسلطنه، قابل دسترس در: <http://sharghdaily.ir/News/59720/>.

کیهان (۳۹۳۱)، «غنی‌سازی ۰۲ درصد میراث شهید شهریاری». قابل دسترس در: <http://kayhan.ir/fa/news/10245>.

کیهان (۴۹۳۱)، «جلیلی: در برجام از ۰۰۱ حق مسلم خود محروم شده‌ایم». قابل دسترس در: <http://kayhan.ir/fa/news/54787/>.

لوئرز، ویلیام و دیگران (۲۹۳۱)، «رویکرد جدید مقابل ایران»، ترجمه فرنگیس بیات. قابل دسترس در: http://www.sharghdaily.ir/Default.aspx?NPN_Id=167&pageno=3.

مجدد، هومان و سارا معصومی (۲۹۳۱)، «پرونده هسته‌ای ایران در چند روز قابل حل است». قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919900.html>.

محمدی، مهدی (۴۹۳۱)، «دست برتر ایران در منطقه به اهرم چانه‌زنی در مذاکرات تبدیل شود». قابل دسترس در: <http://www.nasimonline.ir/Content/Detail/982574/136>.

مدنیان، غلامرضا (۰۹۳۱)، «حقوق هسته‌ای ایران و چالش‌های آن». قابل دسترس در: <http://www.ensani.ir/fa/content/142866/default.aspx>.

مشرق (۴۹۳۱)، «نفوذ آمریکا از تونل هسته‌ای به ایران». قابل دسترس در: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/458834/>.

مطلبی، مسعود (۰۹۳۱)، «انقلاب اسلامی و چالش هسته‌ای ایران». قابل دسترس در: <http://www.zamane.info/1390/05>.

معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل (۵۸۳۱)، دیپلماسی هسته‌ای؛ ۸۷۶ روز مدیریت بحران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
مؤسسه ابرار معاصر تهران (۵۹۳۱)، «فرصت‌ها و چالش‌های اجرای برجام برای ایران (گزارش شماره ۲)»، گزارش ویژه، سال یازدهم، شماره ۵۷۵.

موسویان، سید حسین (۲۹۳۱)، «رئیس‌جمهور آینده ایران و استراتژی هسته‌ای از نوع سوم». قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1917251.html>.

میرحسینی، سیدمحسن (۴۹۳۱)، «توافق هسته‌ای ژئوپلتیک منطقه را تغییر داد». قابل دسترس در: <http://www.tabnak Yazd.ir/fa/news/81922/>.

میرنظامی، منیرسادات (۴۹۳۱)، «توافق وین و تأثیرات آن بر خاورمیانه از دید مراکز راهبردی»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۸-۱۸.

ننتایه‌و، بنیامین (۲۹۳۱)، «به روحانی اعتماد نکنید آقایان!» ترجمه مهناز امین فروغی. قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919983.html>.

ندای ایرانیان (۴۹۳۱)، «تأثیر توافق هسته‌ای بر عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه». قابل دسترس در:

<http://irmedia.ir/fa/news/29158/>.

نیکولو، فرانسوا (۲۹۳۱)، «گذشته روحانی اروپایی‌ها را امیدوار می‌کند». قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919115.html>.

وزارت امور خارجه (۵۹۳۱ الف)، «متن کامل گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام». قابل دسترس در:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/29/1051333/>.

وزارت امور خارجه (۵۹۳۱ ب)، «ارائه دومین گزارش ۳ ماهه اجرای برجام». قابل دسترس در:

<http://www.eghtesadonline.com/136080/>.

هادیان، ناصر (۹۸۳۱)، «برنامه هسته‌ای ایران: تکثر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفتمانی»، فصلنامه سیاست، سال ۰۴، شماره

۱، صص ۴۷۳-۵۵۳.

یزدان‌پناه، محمد (۴۹۳۱)، «پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران». قابل دسترس در:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/524900/>.

ACRPS [Arab Center for Research and Policy Studies] (2015), The 2015 Arab Opinion Index: Results in Brief. Available at: <http://english.dohainstitute.org/content/cb12264b-1eca-402b-926a-5d068ac60011>.

Ajami, F. et.al (2006), The Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for the Middle East and US Policy, Council on Foreign Relations. Available at: <http://www.cfr.org/religion-and-politics/emerging-shia-crescent-symposium-implications-us-policy-middle-east-rush-transcript-federal-news-service-inc/p10866>.

Alloul, Jaafar (2011), The 'Shi'a Crescent' Theory; Sectarian Identity or Geopolitics of Religion? Available at: https://www.lib.ugent.be/fulltxt/.../RUG01-001786448_2012_0001_AC.pdf.

ASIL[The American Journal of International Law] (2006), Ongoing U.S. Efforts to Curb Iran's Nuclear Program, Vol. 100, No. 2, pp. 480-485. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3651175?origin=JSTOR-pdf>.

Bahgat, Gawdat (2006), "Nuclear proliferation: The Islamic Republic of Iran", Iranian Studies, 39(3): 307-327.

Bâli, Aslı Ü. (2014), Negotiating Nonproliferation: International Law and Delegation in the Iranian Nuclear Crisis. Available at: www.uclalawreview.org/pdf/61-2-1.pdf.

Barzegar, Keyhan (2010), "Balance of Power in the Persian Gulf: An Iranian View", Middle East Policy, Middle East Policy Council, Vol. XVII, No. 3, Fall, pp. 74-87.

Barzegar, Keyhan (2016), The Geopolitics of JCPOA. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Geopolitics-of-JCPOA.htm>.

BBC News (2013), Saudi Nuclear Weapons 'on Oorder' from Pakistan. Available at: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-24823846>.

Ben-Meir, Alon (2009), "Nuclear Iran is Not an Option: a New Negotiating Strategy to Prevent Iran from Developing Nuclear Weapons", Digest of Middle East Studies, pp. 79-89.

Bidwai, Pratul (2007), "Rising Confrontation with Iran: Is Bush Spoiling for a Fight?". Available

- at: <https://www.tni.org/en/archives/act/16644>.
- Bolton, John R. (2015), "To Stop Iran's Bomb, Bomb Iran", The New York Times. Available at: http://www.nytimes.com/2015/03/26/opinion/to-stop-irans-bomb-bomb-iran.html?_r=0.
- Brzezinski, Zbigniew and Robert M. Gates (2004), *Iran: Time for a New Approach*, New York: Council on Foreign Relations.
- Chubin, Shahram (2008), "Understanding Iran's Nuclear Ambitions", in: Cronin Patrick (ed), *Double Trouble: Iran and North Korea as Challenges to International Security*, Westport: Praeger Security International, pp. 47-62.
- Cordesman, Anthony H. (2008), *Iranian Capabilities to Respond to a Preventive Attack*, Center for Strategic and International Studies, Westport: Praeger Security International.
- Cordesman, Anthony H. and Martin Kleiber (2007), *Iran's Military Forces and War Fighting Capabilities: the Threat in the Northern Gulf*, Center for Strategic and International Studies, Westport: Praeger Security International.
- Einhorn, Robert (2015), *Debating the Iran Nuclear Deal*. Available at: <http://www.brookings.edu/research/reports2/2015/08/iran-nuclear-deal-battleground-issues-einhorn>.
- Entessar, Nader (2009), "Iran's Nuclear Decision-making Calculus", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XVI, No. 2, Summer, pp. 26-38.
- FAC [Foreign Affairs Committee] (2008), "Global Security: Iran: Fifth Report of Session 2007-08", London: Foreign Affairs Committee. Available at: <http://www.officialdocuments.gov.uk/document/cm73/7361/7361.pdf>.
- Gallup (2013), *Americans Least Favorable Toward Iran*. Available at: <http://www.gallup.com/poll/161159/americans-least-favorable-toward-iran.aspx>.
- Guldimann, Tim (2007), *The Iranian Nuclear Impasse*, *Survival*, 49 (3): 169-178. Available at: <http://www.informaworld.com/terms-and-conditions-of-access.pdf>.
- Hagerty, Davin T. (2009), "The Implications of A Nuclear-armed Iran in Light of South Asia's Nuclear Experience", in: Ganguly, Sumit and S. Paul Kapur (eds), *Nuclear Proliferation in South Asia: Crisis Behaviour and the Bomb*, New York: Routledge, pp. 212-242.
- Hagerty, Devin (1998), *The Consequences of Nuclear Proliferation: Lessons from South Asia*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Iranian Diplomacy (2016), *Benefits of JCPOA Implementation for Iran and the World*. Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/en/page/1955713/Benefits+of+JCPOA+Implementation+for+Iran+and+the+World.html>.
- Jafarzadeh, Alireza (2007), *The Iran Threat: President Ahmadinejad and the Coming Nuclear Crisis*, New York: Palgrave Macmillan.
- Joynner, Daniel H. (2010), "Why Less Is More: Law and Policy Considerations on the Iranian Nuclear Issue", *Harvard Law and Policy Review*, Available at: <http://harvardlpr.com/online-articles/why-less-is-more-law-and-policy-considerations-on-the-iranian-nuclear-issue/>.
- Kamrava, Mehran (2007), "Iranian National-Security Debates: Factionalism and Lost Opportunities", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XIV, No. 2, Summer, pp. 84-100.

- Khalili, Reza (2011), *Comparative Analysis of Nuclear Policies; the Cases of India and Iran (1983-2008)*, Ph. D Thesis in Center for Comparative Politics and Political Theory, School of International Studies, Jawaharlal Nehru University.
- Khan, Saira (2010), *Iran and Nuclear Weapons: Protracted Conflict and Proliferation*, New York: Routledge.
- Khoshandam, Behzad (2016a), *Implementation of the Iran Deal and Its International Consequences*. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Implementation-of-the-Iran-Deal-and-Its-International-Consequences.htm>.
- Khoshandam, Behzad (2016b), *Implementation of the Iran Deal and Its Regional Outcomes*. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Implementation-of-the-Iran-Deal-and-Its-Regional-Outcomes.htm>.
- Lotfian, Saideh (2008), "Nuclear Policy and International Relations", in: Katouzian, Homa and Hossein Shahidi (eds), *Iran in the 21st Century: Politics, Economics and Confrontation*, New York: Routledge, pp. 158-180.
- Maloney, Carolyn B. (2015), *Congresswoman Carolyn Maloney's Statement Opposing Iran Nuclear Agreement*. Available at: <https://maloney.house.gov/media-center/press-releases/congresswoman-carolyn-maloney-s-statement-opposing-iran-nuclear>.
- McElroy, Damien (2010), "Iran Tried to Buy Nuclear Weapons from Pakistan". Available at: <http://www.Iran.Iran-tried-to-buy-nuclear-weapons-from-Pakistan.html>.
- Milani, Abbas (2010), *The Myth of the Great Satan: A New Look at America's Relation with Iran*, California: Hoover Institute Press.
- Moshirzadeh, Homeira (2007), "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 38(4): 521-543.
- Muallem, Walid (2014), *Iran Deal May Strengthen Damascus, Says Syria's Foreign Minister*. Available at: <http://www.middleeasteye.net/news/iran-deal-may-strengthen-damascus-says-syrias-foreign-minister-275851002>.
- Ochmanek, David (2007), "Iran, the United States and Nuclear Weapons: An Examination of Key Policy Issues", in: Dobbins, James et.al (eds), *Coping with Iran; Confrontation, Containment, or Engagement? A Conference Report*, Washington D.C.: RAND Corporation, pp. 13-30.
- Perkovich, George and Silvia Manzanero (2005), "Iran Gets the Bomb; Then What?", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 177-205.
- Persbo, Andreas (2012), *Some Legal Aspects of Iran's Nuclear Programme*, The Oxford and Cambridge Club, London, United Kingdom. Available at: <http://www.vertic.org>.
- Pollack, Kenneth (2007), "Five Key Points", in: Dobbins, James et.al (eds), *Coping with Iran; Confrontation, Containment, or Engagement? A Conference Report*, Washington D.C.: RAND Corporation, pp. 30-32.
- Powers, Thomas (2008), *Iran: The Threat*, New York Review of Books, Vol. 55, No. 12. Available at: <http://www.nybooks.com/articles/21592>.

- Rahmati, Reza (2013), "Proof to Illegality of Referring Iran's Nuclear Dossier from IAEA to Security Council", *Iran Review*. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Proof-to-Illegality-of-Referring-Iran-s-NuclearDossier-from-IAEA-to-Security-Council.htm>.
- Reuters (2012), "Most Americans Would Back US Strike over Iran Nuclear Weapon", *Iran Review*. Available at: <http://in.reuters.com/article/usa-iran-poll-idINDEE82C0EU20120314>.
- Russell, Richard L. (2005), "Arab Security Responses to a Nuclear-Ready Iran", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 23-46.
- Sagan, Scott, et.al (2007), "A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster?", *Journal of International Affairs*, 60(2): 135-150.
- Sheffer, Brenda (2004), "Iran at the Nuclear Threshold", *Insight Turkey*, 6(1): 78-89.
- Sokolski, Henry (2005), "Getting Ready for a Nuclear-Ready Iran: Report of the NPEC Working Group", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 1-19.
- Stanley, Elizabeth A. (2007), *International Perceptions of US Nuclear Policy*, New Mexico: U.S. Department of Commerce National Technical Information Service.
- Statista (2016), *Level of support among Arab youth for the 2015 Iran nuclear deal in 2016*. Available at: <http://www.statista.com/statistics/536405/opinion-poll-of-arab-youth-on-support-for-2015-iran-nuclear-deal/>.
- Symonds, Peter (2007), "Bush Administration to "Ratchet up Pressure" on Iran", *Global Research*. Available at: <http://www.globalresearch.ca/bush-administration-to-ratchet-up-pressure-on-iran/6699>.
- Takeyh, Ray (2003), "Iran's Nuclear Calculations", *World Policy Journal*, 20(2): 21-28.
- Takeyh, Ray (2004-5), "Iran Builds the Bomb", *Survival*, 46(4): 51-64.
- Takeyh, Ray (2006), "Iran at the Strategic Crossroads", in: Russell, James A (ed), *Proliferation of Weapons of Mass Destruction in the Middle East: Directions and Policy Options*, New York: Palgrave Macmillan, pp. 51-62.
- Tarock, Adam (2006), "Iran's Nuclear Programme and the West", *Third World Quarterly*, 27(4): 645-664.
- Tristam, Pierre (2010), "Iran's Nuclear Weapons Program: Ambition or Reality?". Available at: <http://middleeast.about.com/od/iran/a/me071204.htm>.
- Wehrey, Frederic et.al (2009), *Dangerous but not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle East*, Washington D.C.: RAND Corporation.
- Weiss, Leonard (2009), "Israel's Future and Iran's Nuclear Program", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XVI, No. 3, Fall, pp. 79-88.
- Whitaker, Raymond (2006), "Mahmoud Ahmadinejad: the Nuclear Prophet", *The Independent*, January, 15. Available at: <http://www.independent.co.uk/news/people/profiles/mahmoud-ahmadinejad-the-nuclear-prophet-523025.html>